



ج

بابا جلیلی، دستگاه موسیقی **(Dastgāhe Musiqiye Bābā Jalīlī)** : این دستگاه موسیقی اهل حق، به نام بابا جلیلی (متولد ۸۸۲ هجری قمری) از دودان است که همزمان با شاه ویس قلی و آتش بگ میزیسته است. بابا جلیلی دستگاهی غیر متداول در موسیقی اهل حق است که توسط نور علی الهی شناخته شده است.

بابا حسینی **(Bābā Hoseyni)** : یکی از ۱۴ گوشه موسیقی قدیم ایران.

بابازاده **(Bābāzāde)** : از اعضاء فعال گروه موسیقی فرهنگ و هنر گیلان و همکار نزدیک استاد احمد علی راغب که این گروه توسط نادر پور دلجو رهبری می شود.

بابا سرهنگ، دستگاه موسیقی **(Dastgāhe Musiqiye Bābā Sarhang)** : این دستگاه مهم موسیقی اهل حق، منصوب به بابا سرهنگ است که پس از شاه فضل ولی و پیش از شاه خوشین می آید. بابا سرهنگ در سده چهارم هجری در منطقه کوه شاهو می زیسته و مقبره او در توپیل (اورامان) است. دستگاه موسیقی بابا سرهنگ، دستگاهی کاملاً شناخته شده است و به آسانی می توان آن را بخاطر نت اول گامش روی می و اشل با قاعده و هم نواختنش که همان مجموعه فاصله، یک فاصله چهارم بالاتر را تکرار می کند، باز شناخت.

باباطاهر عریان **(Bābātāher Oryān)** : بابا طاهر عریان از شاعران اواسط سده پنجم و از معاصران طغرل بیک سلجوقی است. متأسفانه آگاهی زیادی از زندگی او در دست نیست. بابا طاهر شاعری بود درویش مسلک و بی علاقه به مال دنیا که امروزه از اشعارش، آهنگ سازان و خوانندگان بسیاری استفاده می کنند. مقبره بابا طاهر در همدان است.

بابا فقیه، دستگاه موسیقی **(Dastgāhe Musiqiye Bābā Faqih)** : دستگاه موسیقی بابا فقیه از دستگاه های موسیقی اهل حق است که به اسم یکی از اصحاب شاه خوشین، از رهبران اهل حق در سده دهم میلادی نام گرفته است. این دستگاه، تنها در مکتب استاد نور علی الهی شناخته شده است. کوک آن روی سُل - دو است و همواره روی می بَمَل با یک سی بَمَل در بَم تاکید می شود.

بابالیان، آنیتا **(Ānitā Bābālyān)** : از معلمین موسیقی در آموزشگاه های موسیقی تهران.

بابا ناووسی (Bābā Nāvusi) : نشانه آهنگی بسیار رایج در موسیقی عرفانی است که نه ذکر است و نه یک دستگاه موسیقی.

بابایان، آشوت (Āsot Bābāyan) : نوازنده چیره دست کلارینت که در این رشته به مقام استادی رسید و در سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ میلادی در تبریز به آموزش این ساز مشغول بوده است. آشوت بابایان زاده تبریز است.

بابایان، خاجیک (Xācīk Bābāyan) : از موسیقیدان ها و نوازندگان معروف ارکستر سنفونیک تهران. خاجیک بابایان از استاد های معروف هنرستان موسیقی تبریز بود که در سال ۱۳۵۸ بر اساس عناد و دشمنی طبقه آخوند و شخص خمینی با موسیقی به تعطیلی کشانده شد.

بابایان، واهان (Vāhān Bābāyan) : نوازنده ویلن در ارکستر سنفونیک تهران در سال ۱۳۳۶ خورشیدی.

بابائی (Bābāwi) : از نوازندگان چیره دست ضرب در عهد ناصرالدین شاه.

بابائی، کورش (Kuroš Bābāwi) : نوازنده چیره دست کمانچه و از اعضای فعال گروه موسیقی عارف به رهبری پرویز مشکاتیان.

بابزنی، رضا (Rezā Bābzani) : خواننده، ترانه های بندری که در لس آنجلس فعالیت دارد.

باتره (Bātare) : دف و دایره را گویند.

باتری (Bāteri) : مجموعه سازهای کوبه ای یا ضربی موجود در ارکستر جاز را باتری گویند. سازهای متداول در ارکستر جاز عبارتند از: طبل بزرگ، طبل کوچک، دو عدد طبل متوسط موسوم به تام تام، سنج مضاعف یا کلاه پایه بلند، سنج بزرگ تکی، دو عدد کوبه فلزی و دو عدد کوبه چوبی.



باتوتا (Bátutá) : ضربه زدن، کوبیدن، ضرب شماری، ضربه های اساسی در یک قطعه موسیقی.

باتوغان (Bátuqân) : از سازهای رشته ای قدیمی که در تاریخ حبیب السیر به آن اشاره شده است. این سازه رشته ای مطلق و از رده قانون یا سنتور است.

باتیمنتو (Bátimento) : ضربه زدن، کوبیدن، ضربه های پی در پی، زدن طبل.

باجلان، هادی (Hádi Bâjelân) : هادی باجلان در سال ۱۳۳۰ در قزوین بدنیا آمد. در سال ۱۳۴۸ برای فراگیری و نواختن فن ضرب به هنرستان موسیقی ملی رفت. او افتخار شاگردی، استاد حسین تهرانی و استاد محمد اسماعیلی را یافت. پس از آموزش به قزوین برگشته و با ارکستر فرهنگ و هنر قزوین همکاری خود را آغاز نمود. هادی باجلان از سال ۱۳۵۰ در قزوین، شروع به تدریس فن نواختن ضرب نمود و شاگردان خوب و با ارزشی را تربیت کرد، که از آن ها می توان به مجید خلیج اشاره نمود.

باخرز (Bâxarz) : نام گوشه ای از ۴۸ گوشه موسیقی باستان و همچنین نام قصبه ای است در خراسان.

باد (Bâd) : لحنی در موسیقی قدیم که بعضی آن را، همان باد نوروز از الحان گذشته می دانند.

بادالیان، هوانس (Hovânes Bâdâlyân) : از مشهورترین خوانندگان ارمنستان که در رضائیه بدنیا آمده است.

باد نوروز (Bâde Noruz) : نام لحنی است از موسیقی ایران باستان، منسوب به بارید جهرمی.

باده (Bāde) " پرده ای است از موسیقی قدیم ایران که در بعضی از نسخ منوچهری بنام پرده: ماده نیز آمده است.

باربد، آموزشگاه آزاد موسیقی (Āmuzesgāhe Āzāde Musiqi Bārbad) : آموزشگاه آزاد موسیقی در مشهد به سرپرستی علی اصغر کوثری در سال های پس از ۱۳۴۷ خورشیدی.

باربد، آموزشگاه موسیقی (Āmuzesgāhe Musiqiye Bārbad) : آموزشگاه موسیقی در شیراز به سرپرستی استاد لطیف نعمان، نوازندهٔ چیره دست ویلن.

باربد، آموزشگاه موسیقی (Āmuzesgāhe Musiqiye Bārbad) : آموزشگاه موسیقی باربد در سال ۱۹۹۳ میلادی توسط هنرمند گرانقدر استاد لقمان ادهمی در اورنج کانتی تأسیس شد. در خلال هشت سال گذشته، بالغ بر ۲۰۰۰ هنرجو در این آموزشگاه تعلیم موسیقی دیده اند. استاد هائی که با لقمان ادهمی همکاری کرده و می کنند عبارتند از: اسماعیل تهرانی، سهیلا نریمان، محمد نادر تبار، احمد رحمانی پور، سوسن کوشادپور، پرویز اسماعیلی، رضا مهینی، محمود میر هادی، مولود کرمانشاهی، یاسمن منوچهری، پرتو پور آفر، مسعود عطائی، پژمان حدادی، ژوزف یاشار، سیامک پویان، همایون خسروی، مسعود بهی، یحیی سیروس، امیر حسین پور جوادی، امیر نقدی و امیر کوشکانی. در این آموزشگاه، جهت تشویق هنرجویان، هر ساله یک رستال موسیقی برگزار می شود.

باربد، استودیو ضبط صدا (Ostudioye Zabte Sedāye Bārbad) : استودیوی ضبط صدای باربد در سال های پیش از انقلاب که در تهران قرار داشت.

باربد، جامعه (Jāmwe Bārbad) : تأثر قدیمی لاله زار که محلی بود برای اجرای کنسرت خوانندگان کوچک و بازار و مردمی. این مکان در سال ۱۳۰۵ خورشیدی توسط مهردادش تأسیس شد. مهردادش خود نوازنده تار بود و به ساختن تصنیف هم می پرداخت. او با خوانندگان نظیر ملوک ضرابی، حسن رادمرد و ادیب خوانساری همکاری داشت. از قطعات زیبائی که مهردادش اجرا کرده؛ اُپرت "لیلی و مجنون" و "خسرو شیرین" است. جامعه باربد در محل تماشاخانه هنر در ۱۳۰۵ بنا گردید، بعد ها یعنی در سال ۱۳۲۹ به محل دیگری، در اول خیابان لاله زار از طرف توپخانه نقل مکان کرد و اولین نمایشنامه ای که در محل جدید به روی صحنه آمد: "پیر پاره درز" بود.

جامعه باربد که سابقه تاریخی هنری در موسیقی و هنرهای نمایشی داشت و موزه ای بود از البسه و وسائل هنری، در جریان تغییر رژیم در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به آتش کشیده شد و کلیه وسائل و البسه آن سوخت.

باربد جهرمی (Bārbad Jahromi): از نام آورترین موسیقی دانان عصر خسروپرویز ساسانی. باربد موسیقیدان بزرگ از صدائی بسیار خوش برخوردار بود. او در زمان خود در نواختن عود (بربط) بی مانند و آهنگ هائی که می ساخت و اشعاری می سرود در حد شاهکار بود. از باربد ۳۰ لحن باقی مانده است. لطفاً جهت آگاهی از آن ها به الحان باربد نگاه کنید. می گویند: سرود مسجع از اختراعات اوست و این سرود را خسروانی می گویند و آن نثری است مسجع مشتمل بر دعا و ثنای خسرو و در آن مطلقاً نظم بکار نرفته است. به غیر از سی لحن موسیقی از باربد جهرمی، ۳۶۰ دستان که از ساخته های اوست به ارث رسیده است.

باربد، رضا (Rezā Bārbad): نوازنده توانای کمانچه و ویلن در سال های ۱۳۰۵ خورشیدی و پس از آن.

باربدو نکسیا (Bārbad va Naksyā): از دستگاه های موسیقی اهل حق که بنام باربد و نکسیا، دو موسیقیدان دربار ساسانیان نامگذاری شده. باربد و نکسیا دستگاهی با شکل کاملاً ایرانی است که خصوصیت کردی را نشان نمی دهد.

باربد، هنر سرا (Honarsarāye Bārbad): موسسه ای که به خرید و فروش ادوات موسیقی، تعمیر، کوک و ساخت انواع سازهای ایرانی تحت نظارت بهروز قنسولی در تهران می پردازد.

باربیتوس (Bārbitus): نام یونانی بربط یا عود است که در آن تغییراتی داده اند.

بارک اله، حاجی (Hāji Bārakollāh): از تعزیه خوان های دوره قاجاریه که صدای پر طنین و بلندی داشت و در نقش عباس و حر هنرنمایی می کرد.

باروزنه (Bāruzane): نام لحنی در موسیقی قدیم ایران. در کتاب مجمع الادوار این لحن پاروزنه آمده که شاید آهنگ ملوانان بوده است.

باروقی، داود (Dávud Bâruqi) : از سازندگان و نوازندگان سازهای سنتور، قانون و عود است. داود باورقی در سال ۱۳۳۱ در تهران بدنیا آمد. در سن ۱۹ سالگی موفق شد تا سنتوری خریداری کند و به تمرین نوازندگی پردازد. او در حال حاضر از صنعتگران و نوازندگان سه ساز اشاره شده در بالاست.

باریتون (Bâriton) : وسعت صدای متوسط در مردان را گویند. باریتون، حد فاصل صدای باس و صدای تنور است. باریتون: از سازهای برنجی است که در ارکسترهای نظامی مورد استفاده قرار می گیرد. باریتون به نوعی تار ایرانی هم اطلاق می شود و تفاوت آن با تار معمولی در سیم های آن است. صدای این ساز، بم تر از تار معمولی است.

باز (Bâz) : سازی است کوبه ای از رده طبل که نام دیگرش طبل سحر است. ارتفاع استوانه طبل ۹ تا ۱۵ سانتی متر و قطر آن ۷ تا ۱۹ سانتی متر است.

بازماندگان، درویش محمد (Darvis Mohammad Bâzmândegân) : گپ بابا، یا؛ بابای بزرگ جزیره قشم که ۸۰ بهار را پشت سر گذاشته است. او استاد نواختن؛ تمبیره (ساز مقدس نوبان) بود. تمبیره او، حد اقل سه نسل پیش از شهر "حمورا" در افریقا، به ایران آورده شده.

بازیل، لودویک (Ludvik Bâzil) : موسیقیدان مشهور و رهبر ارکستر مجلسی تهران در سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ میلادی.

باژ (Bâž) : سرودی مقدس که زرتشتیان آهسته زمزمه می کنند. باژ بمعنی آواز و آوا نیز می آید.

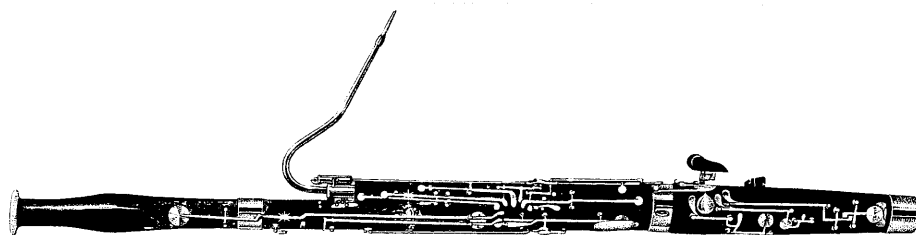
باس (Bâs) : وسعت صدای متوسط در مردان را گویند.

باستان، تاتر (Teatre Bâstân) : واقع در خیابان سپه، تقاطع سپه و پهلوی. مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی.

باستان سیر، هوشنگ (Hušang Bāstānsir) : نوازنده چیره دست کلارینت و از فارغ التحصیلان دوره لیسانس مدرسه عالی موسیقی.

باستانی، شهرام (Šahrām Bāstāni) : نوازنده زبردست ویلن در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی.

باسون (Bāson) : ساز بادی چوبی، زیانه ای. وسعت این ساز عبارت است از: سی بُمل (Sib)، زیر حامل با کلید فا، خط چهارم، تا، می (Mi)، بالای حامل با کلید سُل (Sol). نُت نویسی برای این ساز، معمولاً با کلید فا، انجام می گیرد. نام دیگر این ساز، فاگت، می باشد.



باشام یا باشامه (Bāšām yā Bāšāme) : پرده ساز، سیم ساز را گویند.

باشگاه موسیقی (Bāšgāhe Musiqi) : تشکیلاتی که به همت استاد روح الله خالقی و سلیمان سپانلو در سال ۱۳۲۴ خورشیدی تأسیس شد. این باشگاه در سال ۱۳۲۸ پس از ۴ سال فعالیت به علت عدم تأمین هزینه های مالی تعطیل شد.

باشوکی، غلام علی (Qolām Ali Bāšoki) : نوازنده ویلن سل در ارکستر شماه ۳ و ارکستر شما رادیو. سرپرستی ارکستر های اشاره شده با هنرمند گرانقدر ناصر زرآبادی بود.

باشی، بهمن (Bahman Bāši) : آهنگساز و نوازنده چیره دست گیتار که در رُس آنجلس از فعالیت خوبی برخوردار است. او در سال ۱۹۶۰ در بحبوحه فعالیت بیتل ها، گروه جنجالی تک خال ها را تشکیل داد. او بعد ها همکاری نزدیکی با خواننده خوش صدای ایران، ستار داشت. همکاری او با ستار تا پیش از

انقلاب ادامه داشت. آلبوم های خاطرات گذشته او که در آمریکا ضبط و پخش شده است یاد آور خاطرات شیرین گذشته است.

باشی، رضا خان [Rezâ Xân Bâsi] : زنده یاد رضا خان باشی نوازنده چیره دست و استاد تار و همدوره زنده یادان: شعبان خان شهناز (پدر استاد جلیل شهناز)، علی شهناز و استاد حسن کسائی است.

باصردوله [Bâser-ol-dole] : از شاگردان ممتاز آقا حسین قلی و همدوره استاد علی نقی وزیری. باصر الدوله استاد نواختن تار بود. باصر الدوله عضو کابینه ایالتی استان فارس بود.

باصر السلطنه راد [Bâser-ol-saltane Râd] : از شاگردان ممتاز میرزا عبد الله و نوازنده چیره دست تار.

باطوری، برهان [Borhân Bâтури] : برهان باطوری در سال ۱۳۰۴ در روستای محمودآباد شهرستان جام، خراسان بدنیا آمد. او خلیفه طریقت نقشبندیه مجددی در منطقه جام است.

باطوری، غلام عباس [Qolâm-Abbâs Bâтури] : غلام عباس، خلیفه طریقت نقشبندیه مجددی در منطقه جام خراسان در سال ۱۳۱۵ در روستای امغان بدنیا آمد. او برادر برهان باطوری است.

باعزم، سعید [Sawid Bâazm] : نوازنده زبردست ضرب در ارکستر هنرمندان بروجرد.

باغبان [Bâqebân] : آهنگساز مشهوری که اینک در آمریکا فعالیت دارد. از نمونه کارهای زیبای او آهنگ ترانه: "کفتر کاکل بسر" با صدای معین است که شعر ترانه آن را نیز خودش گفته.

باغبان، محمد [Mohammad Bâqebân] : از خوانندگان فعال در مشهد که با گروه موسیقی سنتی فارابی همکاری دارد.

باغچه بان، ثمین (Samin Bâqcebân) : از گردآوران فعال و صاحب نام در امر موسیقی محلی ایران. در سال ۱۳۳۴ در سازمان هنرهای زیبا تشکیلاتی بنام صداخانه ملی بوجود آمد که کارش جمع آوری آهنگ های محلی ایران بود. بغیر از ثمین باغچه بان، استاد هائی دیگر نظیر: ابوالحسن صبا، روح اله خالقی، لطف اله مبشری، حسین ناصحی، فریدون فرزانه، غلام حسین غریب، علی محمد خادم میثاق و امین شه میری همکاری داشتند. ثمین باغچه بان، فرزند زنده یاد جبار باغچه بان از فرهنگیان بنام و بزرگ ایران است که در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او برای تحصیل در موسیقی ابتدا به هنرستان عالی موسیقی رفته و پس از مدتی به ترکیه سفر کرده و در کنسرواتوار آنکارا به فراگیری موسیقی مشغول شد. از ثمین باغچه بان آهنگ های زیبایی بجا مانده که از میان آن ها می توان به "دو زلفونت"، "لالائی"، و رنگین کمون اشاره کرد.

باغچه بان، ئولین (Olin Bâqcebân) : استاد هنرستان عالی موسیقی در خواندن نت و سلفژ. و همسر هنرمند گرانقدر ثمین باغچه بان.

باغ سیاوشان (Bâqe Siyâvusân) : نام لحنی از موسیقی باستان ایران در دوران ساسانی. وجه تسمیه آن، باغی است که بدست سیاوش، فرزند کیکاوس پادشاه ایران، در خُتن، بنام "گنگ دژ" بنا شد.

باغ شمیران (Bâqe Šemirân) : مکانی مصفا برای عرضه هنر موسیقی هنرمندان پاپ در سال های پیش و پس از ۱۳۴۰ خورشیدی. در این مکان مدت ها، پرویز مقصدی به همراه آرتوش برنامه اجرا می کردند.

باغ شهریار (Bâqe Šahriyâr) : نام یکی از الحان موسیقی در زمان ساسانیان. باربد، این لحن را در وصف قدرت و ثروت خسرو پرویز ساخته است.

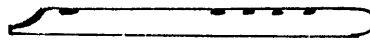
باغ شیرین (Bâqe Širin) : لحن چهارم از الحان سه گانه باربد. گویند باربد این لحن را بنا به خواست شیرین ساخت تا باغی را که خسرو پرویز به شیرین وعده داده و فراموش کرده بود با این آهنگ به یاد خسرو بیاورد.

باغ گلستان (Bāqe Golestān) : مجموعه تفریحی واقع در سلسبیل تهران شامل وسائل بازی، سینما و تئاتر و محلی برای اجرای موسیقی.

بافت (Bāft) : روش و شیوه ای که دو بُعد افقی و عمودی قطعات موسیقی را با تلفیق ملودی و آکورد بهم پیوند می دهد. این عمل، در ملودی های تنها و بدون همراهی، صادق نیست.

باق (Bāq) : سازی است بادی - چوبی از رده قره نی یا نی لبک که فقط یک زبانه دارد و از راس نای، در آن دمیده می شود.

باق



باقراف تاتر (Teātre Bāqerof) : از مکان های اجراء موسیقی در تهران در سال های ۱۹۲۲ میلادی و پس از آن.

باقر خان رامشگر (Bāqer Xāne Rāmesgar) : نوازنده زبردست کمانچه که در سال ۱۲۵۳ خورشیدی بدنیا آمد. سال ها افتخار شاگردی استاد موسی کاشی را داشت و نزد او ردیف های موسیقی را بطور کامل آموخت. او اولین نوازنده کمانچه است که برای ضبط صفحه به اتفاق آقا حسین قلی به پاریس و همراه درویش خان به لندن و تفلیس رفت. کمانچه ۶ سیمه او به تقلید از ساز استادش بود. صفحه بیات ترک باقر خان از اولین صفحه های ایرانی بقطر ۱۷/۵ سانتیمتر و ضخامت ۲ میلیمتر است که موجود می باشد.

باقر لبو (Bāqer Labu) : محمد باقر معروف به لبو از نوازندگان زبردست ضرب بود که به همراه آقا حسین قلی، باقر خان رامشگر، اسداله خان و سید احمد آوازخوان برای پر کردن صفحه به پاریس رفت.

باقری، پرویز (Parviz Bāqeri) : خواننده خوش صدا در برنامه تلویزیونی بزم آدینه. خوانندگان دیگری که در این برنامه می خواندند عبارت بودند از: بیژن فرشاد، رشید مستقیم و تورج. صدای این خوانندگان را میلاد کیائی با سنتور، امیر عباس صفوی با ویلن، فخرالدین حکیمی با تار و رضا بهنام با ضرب همراهی می کردند. این برنامه در سال های ۱۳۴۰ و پس از آن طرفداران بیشماری داشت.

باقری، ساعد (Sáwed Báqeri) : شاعر و ترانه سرای معاصر که از او اشعار بسیاری مورد استفاده خوانندگان و آهنگسازان قرار گرفته است. "خانه بر دوش" و "دل شیدا"، با صدای علی رضا افتخاری، "کودک قرن" با صدای زنده یاد مازیار از نمونه ترانه های سروده شده توسط اوست.

باقری، عباس (Abás Báqeri) : ترانه سرای معاصر که از او ترانه "ایران من" را با صدای مهرداد کاظمی شنیده ایم.

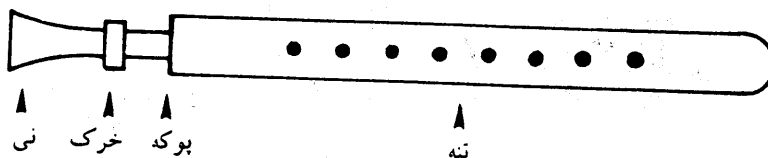
باقری، علی (Ali Báqeri) : خواننده معروف ترانه های محلی بختیاری.

باقری، محمد (Mohammad Báqeri) : از اعضای موسس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

باکارا، کاباره (Kábare Bákára) : کاباره معروف تهران که در زیر زمین ساختمان سینما آتلانتیک واقع در خیابان پهلوی، بالاتر از میدان ولیعهد قرار داشت.

باگاتله (Bágatele) : آهنگ آزاد و بی قاعده را گویند.

بالابان (Balábán) : از سازهای بادی، بشکل سورنا که اختراع آن را به: ابن طیامی نسبت می دهند. برخی روایت ها، حکایت از آن دارد که این ساز، در زمان صفویه در شیراز اختراع شد. امروزه، بالابان، از سازهای محلی کردستان و آذربایجان است که لوله آن ۷ سوراخ داشته و طول آن ۳۲ سانتی متر بدون زبانه و ۴۰ سانتی متر با زبانه است. این ساز، دو زبانه ای است و در اطلس سازها ملی شوروی، بنام بالامان آمده است. این ساز از سرنا کوتاه تر و صدایش زیر تر است.



بالابان (متداول در آذربایجان ایران)

بالاتا (Balátá) : آهنگ برای رقص، آوازی برای رقصیدن.

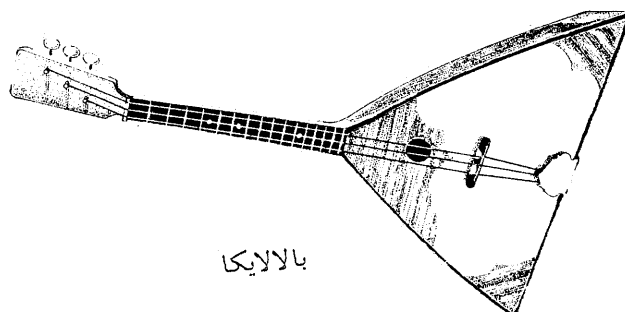


بالاخان (Bālāxān) : نوازنده زبردست تنبک و پدر استاد مرتضی نی داود. بالاخان تار را نیز خوش می نواخت.

بالاد (Bālād) : آوازهای شاعرانه، بدون داشتن شکل مخصوص، هم چنین آوازهای عامیانه با خصوصیتی رزمی - حماسی.

بالازاده، منوچهر (پژمان فر) (Manucehr Bālāzāde - Pezmānfar) : منوچهر بالازاده در سال ۱۳۲۵ در شیراز بدنیا آمد. پدر او از نوازندگان سرشناس تار و از شاگردان شکراله خان شیرازی بود. منوچهر از کودکی آموزش و فراگیری تار را از پدر آغاز و سپس اصول تئوری موسیقی را نزد هنرمند گرانقدر؛ لطیف نعمان (استاد ویلن) و سپس عزیز شعبانی رئیس و استاد سابق هنرستان موسیقی تبریز فراگرفت. منوچهر بالازاده از نوازندگان فعال در شیراز می باشد و ضمن نواختن تار به آموزش سه تار و ویلن نیز اشتغال دارد.

بالالایکا (Bālālaykā) : نوعی ساز مضرابی است که در روسیه بسیار رواج دارد. این ساز از خانواده گیتار است. بالالایکا، جعبه ای مثلث شکل دارد و با دسته ای بلند و سه سیم که نسبت به هم با فاصله چهارم، کوک می گردند. بالالایکا در شش اندازه مختلف وجود دارد و زمانی که همه این شش اندازه گرد هم آیند، ارکستر بالالایکا را تشکیل می دهند.



بالالایکا

بالت، شرکت (Šerkate Bālet) : شرکت تولید صفحه در تهران در سال های پیش و پس از ۱۳۴۵ خورشیدی.

بالشتک (Bāleštak) : وسیله ای است پارچه ای که درون آن را با اسفنج و پارچه پر کرده و موقع نواختن ویلن، بین ویلن و شانه بمنظور استواری بیشتر قرار می دهند.

بال کبوتر (Bāle Kabutar) : فرود کوچکی از سه نت تشکیل شده و در پایان گوشه ها یا مقام اصل می آید. معمولاً بین فواصل تئیک و ۴ و ۵ مقام است. بال کبوتر، پرشی است که از صدای شاهد به واپسین صدای مقام انجام شود و دو باره به صدای شاهد باز گردد. اگر پرش را در جهت معکوس، یعنی بر هنگام پائین انجام دهیم، قرینه آن بدست خواهد آمد که برابر صدای آغازین مقام است. در حقیقت، بال کبوتر و قرینه آن همچون دو بالی هستند که بیکر مقام را در بر گرفته اند. در مقاماتی که دارای تقسیمات سه صدایی هستند، پرش بال کبوتر، بر فاصله سوم از شاهد انجام می شود و معکوس آن نیز، سه درجه پائین تر از شاهد واقع می گردد.



بال کن (Bāl Ken) : اصطلاحی است، خاص سازندگان آلات موسیقی آرشه ای. بال کن یا پُل ویلن، قطعه چوب سروی است که در داخل ویلن و روی صفحه زیرین استوار می کنند. این قطعه سبب محکم شدن قطعات ساز و تداوم و پیراسیون یا ویبرشن در تمام جعبه ساز می شود و علاوه بر این کار، زیر خرک قرار گرفته و فشار خرک به صفحه روین را تحمل می کند. پُل یا بال کن در هر چهار ساز آرشه ای: ویلن، آلتو، ویلن سیل و کنترباس وجود دارد.

بامبوس (Bambos) : خواننده جوان ساکن آمریکا که با خواننده دیگری بنام بنفشه زوج هنری تشکیل داده اند. از این دو هنرمند آلبوم "عطر بنفشه" در دسترس می باشد.

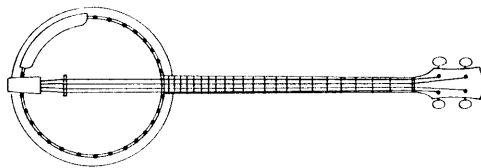
بامری، ماشاله (Māsāllāh Bāmeri) : ماشاله بامری در سال ۱۳۳۰ در ایرانشهر بدنیا آمد. او از ۸ سالگی، دهلک که سازی است محلی، می نواخت. او در آن زمان عضو، گروه "سوتی" ایران شهر، بلوچستان بود. در نو جوانی به خوانندگی روی نمود و اینک یک خواننده سوتی ممتاز در کل استان بلوچستان است. او علاوه بر اجرای سوت، در اجرای آوازهای ذکر های گواتی تسلط دارد.

بامشاد (Bāmsād) : موسیقیدان مشهور دوره ساسانی که معرفیتی نظیر بارید داشته است.

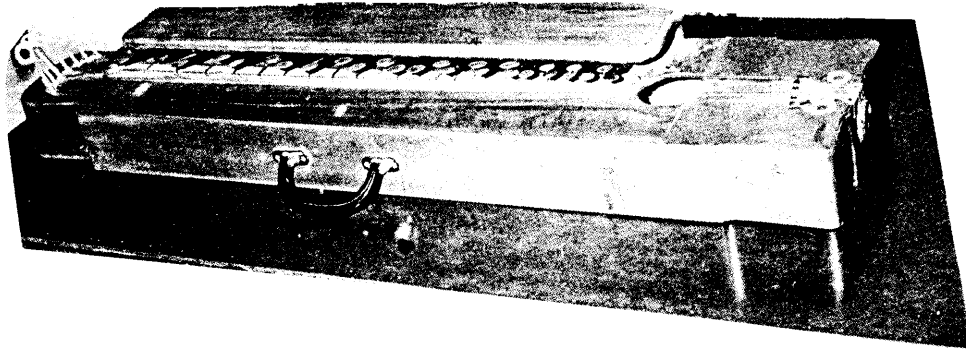
بامشاد، بهاءالدین (Bahāeddin Bāmsād) : نوازنده مشهور تار باس در ارکستر انجمن موسیقی ملی در سال های ۱۳۲۰ خورشیدی و پس از آن. در آن زمان استاد علی نقی وزیر ری رئیس اداره موسیقی کشور و هنرستان عالی موسیقی بود و این ارکستر تحت نظر او فعالیت می کرد. لطفاً برای آگاهی بیشتر، به ارکستر انجمن موسیقی ملی نگاه کنید. بهاءالدین بامشاد از اعضای موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بود.

بامشاد علوی، دکتر ناصر الدین (Doktor Nāser-eddin Bāmsāde Alavi) : از اعضای موسس؛ انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی

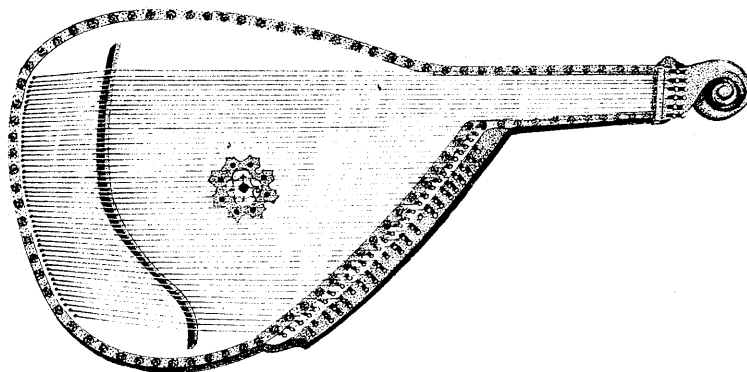
بانجو (Bānjo) : از سازهای زهی و زخمه ای، با مضرابی سه گوش از جنس شاخ و با کاسه یا شکمی دایره شکل و دسته ای بلند با ۵ تا ۹ سیم. این ساز از آفریقا، تحت نام: "بان یا" همراه با بردگان سیاه به آمریکا برده شده است. این ساز را بنایستی یا باننجو **Baenjo** یا بانجو که در نواحی جنوب ایران نواخته می شود اشتباه گرفت. بانجو در حقیقت نوعی گیتار یا ماندولین است، با این تفاوت که روی کاسه طنینی آن پوست کشیده اند.



بانچو یا باننجو (Báncō yá Bāwenjō) : سازی است رشته ای - مضرابی که نواختنش نزد اهالی بلوچستان رواج دارد. این ساز تشکیل شده از جعبه ای که بشکل دوزنقه بوده، عرض آن از ۲۳ سانتی متر شروع و به ۱۶ سانتی متر ختم می شود. طول این ساز حدود یک متر است. این ساز، دارای ۸ سیم و ۲۷ دگمه است. هر ۸ سیم بر خرکی سوارند. بانچو ساز بزم است و با مضراب نواخته می شود.



باندورا (Bāndorā) : سازی است از خانواده عود که از مشرق به جنوب اروپا رفته است و بیشتر در روسیه، خصوصاً در اوکراین از آن استفاده می کنند. باندورا معمولاً دارای ۱۲ سیم است ولی بعضی از انواع آن دارای ۳۰ سیم می باشد. در این ساز، هر سیم، تنها یک صدا یا نُت را می دهد. هشت نوع باندورا وجود دارد، یک نوع ابتدائی آن ۵ سیم اصلی و ۱۸ سیم فرعی دارد و شکل ظاهری آن شبیه بریط است. نوعی دیگر از آن؛ ۸ سیم اصلی و ۱۲ سیم فرعی دارد.



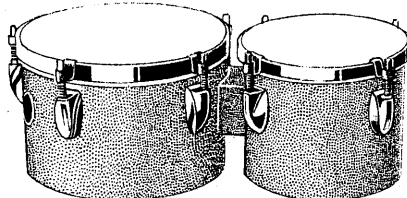
باندونه اُ (Bāndoneo) : از اقسام آکوردئون که خصوصاً برای اجرای تانگوی آرژانتینی از آن استفاده می کنند. باندونه اُ سازی است کروماتیک و شش ضلعی، ظاهراً شبیه به آکوردئون و فانوسی است. این ساز،

در سال ۱۸۵۰، توسط یک آلمانی، بنام هنریش بان (Henrich ban) ساخته شد، و بوسیله یک ایرلندی، بنام؛ توماس مور (Thomas Mur) به آرژانتین راه یافت.

بانگ (Bång) : مطلق صدا و آواز و در موسیقی بمعنی دانگ (یک فاصله چهارم) ذکر شده است.

بانگ عنقا (Bånge Anqâ) : نام لحنی در موسیقی قدیم ایران در زمان ساسانی.

بانگو (Bångo) : از سازهای ضربه ای یا کوبه ای پوستی مکزیکی با ساختمانی متشکل از: دو تومبای کوچک متصل به هم.



باوفا، پروین (Parvin Bâvafâ) : شاعر، نقاش، نویسنده، آهنگساز و ترانه سرای صاحب سبک، در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در خانواده ای با فرهنگ و هنردوست پرورش یافت. از کودکی ذوق سرشاری در سرودن شعر و نقاشی و سایر هنرها داشت و تحصیلات دبیرستانی را در رشته ادبیات به اتمام رساند.

پروین باوفا در سال ۱۹۷۵ میلادی به آمریکا مهاجرت و تا سال ۱۹۸۶ تحصیلات عالی خود را در رشته های گوناگون هنرهای زیبا: موسیقی، هنرهای تجسمی و تاریخ هنر در دانشگاه اروین ادامه داد، اولین مرکز فرهنگی ایرانیان را در دانشگاه اروین بنیان گذارد و پس از پایان تحصیل آغاز به فعالیت های هنری و فرهنگی کرد. مقالات و نقدهای هنری، اشعار، طرح ها و نقاشی های او در نشریات معتبر برون مرز به چاپ رسید و از آثار نقاشی پروین که به سبک و تکنیکی بدیع معرف آثار و سفال های کهن ایران است در نمایشگاه های متعدد برگزار شد.

در زمینه شعر می توان از چهار کتاب شعر منتشر شده پروین بنام های: "حجاب نور"، "جای پای زن"، "من منهای تو"، "افق عمود می شود" و همچنین (سایه های باد، مشت بر موج و ترانه های کوچک آماده چاپ) و آلبوم اشعار بنام "حماسه های عشق" با صدای شاعر نام برد. در زمینه آهنگسازی و ترانه سرایی پروین باوفا خالق نخستین سرودهای ملی میهنی برون مرز بنام های "رستاخیز"، "قیام ۱۸ تیر"، "حقوق بشر"، و "همبستگی" با صدای: مرتضا، شیفته، امیر شفاقی، یعقوب ظروفچی، پوران آزاد و سارواست. از آثار دیگر پروین باوفا در زمینه موسیقی اصیل ایرانی تا کنون می توان از اشعار و آهنگ های: "حماسه زن پارسی" با صدای پروین باوفا،

"حماسه مادر" با صدای طاهره سلماسی، "ای جان جهان ای عشق" با صدای شکیلا، "زن یا کوه" با صدای فتانه "حماسه پرواز" و "حماسه عشق" با صدای طاهره سلماسی نام برد. و در زمینه ترانه به آثاری که توسط: هوشمند عقیلی، یعقوب ظروفچی، فتانه، عطا، امیر شقاقی، جمال وفایی، و آندره اجرا شده اشاره داشت.

باوی (Bávi): نام گوشه ای در دستگاه همایون.



بهار (Báhar): نوعی از خوانندگی و گویندگی در موسیقی باستان ایران که آن را پهلوی و رامندی هم گویند.

بایاتی (Báyati): دو بیتی های بومی در ادبیات شفاهی آذربایجان که در موسیقی عاشیقی اهمیت بسزایی دارد.

بایدافون (Báydáfon): کمپانی صفحه پرکنی که بخاطر قمرالملوک وزیری دستگاه صفحه پرکنی به ایران آورد.

بیغا (Babqá): سازی است از آلات موسیقی بادی. نام دیگر این ساز طوطک می باشد.

بت سیاد، رابرت (Robert Bet Syád): خواننده فعال در شمال کالیفرنیا.

بتوراک (Beturák): سازی است کوبه ای نظیر دف و دایره.

بتی (Beti): خواننده خوش صدای پیش از انقلاب که در سال های اخیر فعالیتت از او مشاهده نمی شود. ترانه های ماندگاری از بتی در دسترس می باشد که در زیر به برخی از آنان اشاره می شود: دوقمری، غریبانه، آینه چشات، بیکسی، ونوس، هله دان، نذر، بدرقه، زلیخا و دارم عاشق میشم.

بحر (Bahr) : نام گوشه ایست در قطار از ملحقات شور (از ردیف منسوب به منتظم الحکما).

بحر العلوم اصفهانی (Bahrolwlum Esfehāni) : خواننده مشهور زمان مظفرالدین شاه که از او صفحاتی در دست می باشد که برای نمونه به تصنیف: تیارت حاجیانه و صفحه ای که در آن آواز واعظ مشهور؛ حاج تاج نیشابوری را تقلید کرده اشاره نمود.

بحر نور (Bahre Nur) : نام گوشه ای است در دستگاه راست پنجگاه و همایون.

بحری، جهان (Jahān Bahri) : جهان بحری در سال ۱۳۴۳ در تنکابن بدنیا آمد. او در سال ۱۳۵۸ به هنرستان فنی حرفه ای رفت و دیپلم نجاری و چوب شناسی را دریافت کرد و برای خود پایه ای علمی در زمینه ساخت ساز کسب نمود. اولین استاد او؛ تقی اصل بود که برای رادیو تلویزیون ساز می ساخت. پس از مدتی آموزش، جهان بحری تحت نظر استاد علی اکبر سرخوش و بمدت ۸ سال آموختن فن ساز سازی را فرا گرفت. جهان بحری سازنده سازهای زیر می باشد: سنتور، سه تار، تار، کمانچه، ویلن و گیتار. او برای ساختن هر ساز از چوب های مختلفی استفاده می کند، چنانچه برای سنتور از چوب گردو، تار و سه تار از چوب توت و برای کاسه و دسته آن از گردو، ویلن؛ از چوب افرا برای پشت صفحه و چوب روسی برای صفحه روی آن.

بحری، منوچهر (Manucahr Bahri) : سرپرست موسیقی رادیو شیراز در سال ۱۳۳۸ خورشیدی.

بحرینی پور، محمد (Mohammad Bahreyni-pur) : آهنگساز برجسته برنامه گلهای رادیو. محمد بحرینی پور، در سال ۱۲۸۵ در تهران بدنیا آمد. در کودکی بخاطر علاقه بسیار به موسیقی، توسط هنرمندی بنام؛ حسن امید که ویلن خوب می نواخت، به کلاس شعبان خان قوامی که از کادر موزیک ارتش بود رفت و فراگیری ویلن و نت خوانی را از او آموخت. استاد بعدی، محمد بحرینی پور، زنده یاد حسین خان اسماعیل زاده بود و نزد ایشان سه سال و نیم به فراگیری فن ویلن پرداخت. پس از چندی، بنا به دعوت، زنده یاد، استاد علی نقی وزیری، محمد بحرینی جهت تدریس به هنرستان عالی موسیقی رفت و سه سال در آن موسسه به آموزش فن ویلن پرداخت. پیانو، ساز دوم محمد بحرینی پور بود.

بحورالاحان (Bohur-ol-ahān) : کتابی در علم موسیقی از فرصت الدوله شیرازی (۱۳۳۹ - ۱۲۷۱

هجری قمری) است که در آن نویسنده رابطه شعر و موسیقی را از نظر وزن، بیان داشته است.

بحیرانی، عطاء اله **(Atā-ollāh Bohirāni)** : از سازندگان مشهور ساز در نهاوند است. عطاء اله بحیرانی در سال ۱۳۳۸ در نهاوند بدنیا آمد. او از کودکی بخاطر اشتغال در کارگاه نجاری برادر خود با این حرفه و فن آشنا و به آن روی آورد. او مدتی در کارگاه مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران در خدمت هنرمند گرانقدر، فرمان مرادی به آموختن فن سازندگی تار و سه تار و تنبور و کمانچه پرداخت. او در حال حاضر در نهاوند زندگی و به این کار اشتغال دارد.

بختیاری **(Baxtyāri)** : نام گوشه ایست در دستگاه همایون.



بختیاری، افسر **(Afsar Baxtyāri)** : از غزل سرایان و شعرای معاصر که از آثار او در رادیو استفاده شده است.

بختیاری، پژمان **(Pežmān Baxtyāri)** : زنده یاد پژمان بختیاری، شاعر و ترانه سرای معاصر که از اشعارش بسیاری از خوانندگان قدیم و جدید استفاده کرده و می کنند. بسیاری از تصنیف های پژمان را قمرالملوک وزیری اجرا نموده است.

بختیاری، سهیل **(Soheyī Baxtyāri)** : نوازنده چیره دست ویلن و از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی.

بختیاری، طاهره **(Tāhere Baxtyāri)** : بانوی هنرمند و نوازنده چیره دست ویلن در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی که در گروه ویلن اول شرکت دارد.

بخش **(Baxš)** : قسمتی از اجرا در موسیقی گروهی و هم چنین به میدان صوت انسان اطلاق می شود نظیر: بخش سوپرانو.

بخشایش طلب، سوسن [Susan Baxšayēs-Talab] : از صدابرداران و صداگذاران فعال در رادیو و تلویزیون ایران که در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. از نمونه کارهای او می توان به: ضبط برنامه های تک نوازان، ارکستر کودک رادیو، ارکستر مفتاح، برنامه های صبح جمعه و داستان های شب اشاره داشت.

بخشو [Baxšū] : زنده یاد بخشو، شروه خوان و نوحه خوان مشهور بوشهر که در سال ۱۳۵۶ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

بخشی جعفر آبادی، غلام حسین [Qolám-Heseyn Baxši Jawfar-Ābādi] : نوازنده چیره دست دوتار در خراسان و همدوره با دوتار نواز معروف خراسانی؛ حاج قربان سلیمانی است.

بخشی، جواد [Javād Baxši] : نوازنده مشهور قره نی در ارکستر های شاپور نیاکان و ابراهیم سلمکی.

بخشی، رحیم خان [Rahim-xān Baxši] : زنده یاد رحیم خان بخشی، دوتار نواز کرد در شمال خراسان بوده است.

بخشی، عوض [Avaz Baxši] : نوازنده مشهور دوتار در خراسان.

بخشی قیطاقی، حاج محمد [Hāj Mohammad Baxši Qitāqi] : نوازنده زبردست دوتار در خراسان.

بخشی، نجات اله [Nejāt-ollāh Baxši] : نوازنده زبردست ضرب که نامش را در کنار نوازندگان دیگر ضرب چون: مرشد نصراله، عشقی، هوشنگ دلشاد، محمد عباسی، علی ربانی و غلام افشار باید ثبت نمود. نجات بخشی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. او نواختن ضرب را از ۶ سالگی نزد خود شروع نمود و از ۸ سالگی بصورت حرفه ای وارد این کار شد. در ۱۶ سالگی برای یاد گیری تار نزد زنده یاد استاد مرتضی نی داود رفت. پس از آن به رادیو رفته و با این سازمان همکاری نمود.

بخشی‌ها (Baxšihá) : بخشی‌ها، نوازندگان دوتار، آواز خوان‌ها و داستانسرایان در شمال خراسان می‌باشند که در شهرهای بجنورد، شیروان، و قوچان ساکن بوده و هستند. از معروفترین بخشی‌های شمال خراسان می‌توان به رحیم خان بخشی اشاره داشت. انتخاب آهنگ و شعر از طرف بخشی، بستگی به تشخیص او از موقعیت مجلس دارد. سابقاً، هرخان، بخشی مخصوص خود را داشته است.

بدافون (Bedáfon) : کمپانی صفحه پر کتی آلمانی در ایران به سال ۱۳۰۶ که تا سال ۱۳۱۸ به ضبط و تکثیر صفحه پرداخت.

بداهه خوانی (Bedáhe-xâni) : بداهه یا بدیهه خوانی از خواص موسیقی ایران است که دست خواننده را در اجرای ردیف‌های بیشتر و پروراندن خط موسیقی بنا به موقعیت و حالات شخصی اش باز می‌کند.

بداهه نوازی (Bedáhe-navâzi) : از اختصاصات موسیقی ایرانی است که بنا به ذوق و سلیقه نوازنده ردیف‌های بیشتر و خط موسیقی تغییر می‌یابد.

بدخش، امیر هوشنگ (Amir Hušang Badaxš) : مهندس امیر هوشنگ بدخش در سال ۱۳۴۸ در تهران بدنیا آمد. ذوق فطری به موسیقی را در سن ۳ سالگی با نواختن دایره نشان داد. در ۵ سالگی ضرب می‌زد و در ۶ سالگی ارگ. در ۸ سالگی شروع به نواختن پیانو نمود. اولین استاد او، هنرمند گرانقدر موسیقی ایران ملیک اسلانیان بود. امیر هوشنگ بدخش مدت ده سال شاگرد استاد ملیک اسلانیان بود. او در سن ۱۷ سالگی به آموختن و نواختن ساز تار روی نموده در ۱۸ سالگی وارد دانشگاه شده و رشته مهندسی عمران را پایان می‌رساند.

بدخش، بهرام (Bahrâm Badaxš) : نوازنده چیره دست سنتور و پدر هنرمند گرانقدر، مهندس امیر هوشنگ بدخش نوازنده مشهور پیانو، تار و ویلن است. بهرام بدخش در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در کرمانشاه بدنیا آمد. اولین سازی را که در کودکی به نواختن آن پرداخت فلوت بود. در سال ۱۳۲۰ وقتی بهرام بدخش به اتفاق خانواده اش به تهران آمد به کلاس استاد ولی‌اله البرز که معلم قره‌نی بود رفت. بعدها بهرام بدخش به کلاس استاد عباس زندی رفته و آموختن سنتور را تحت نظر ایشان آغاز می‌کند. دو سال بعد، یعنی در سال

۱۳۲۲ او از همکاران عباس شاپوری و ارکستر او بود. بدخش در سال ۱۳۲۷ به اتفاق عباس شاپوری کلاس موسیقی در امیریه بنام: "کانون موسیقی" دایر و شاگردان بسیاری را تعلیم دادند.

بدخشان، علی [Ali Badaxšan]: آهنگساز، خواننده و تنظیم کننده آهنگ که در شیراز بفعالیست اشتغال دارد. از کارهای زیبای او می توان به آلبوم بهار شیراز اشاره نمود.

بدر [Badr]: نام گوشه ایست در دستگاه چهارگاه که استاد علی نقی وزیری آن را اضافه کرده است.

بدر جاجرمی [Badre Jājerami]: ملک الشعرا بدر الدین بن عمر جاجرمی از شاعران معروف سده ششم هجری است. تولدش در جاجرم خراسان بوده است و وفاتش در سال ۶۸۶ هجری. از این شاعر چهار هزار بیت قصیده، قطعه، غزل و رباعی بجا مانده است. از اشعار او در زمینه موسیقی استفاده های فراوانی شده و می شود.

بدر چاچی [Badr Cāci]: از شاعران سده هشتم هجری است که در هندوستان شهرت یافته و آثار او در ایران رواجی نداشته است. او در درگاه سلاطین آل بهرام از ارج و قرب زیادی برخوردار بوده است.

بدر نصیرالدوله، احمد [Ahmad Badre Nasir-o-ddlale]: وزیر وزارت معارف که در زمان او یعنی در سال ۱۲۹۷ خورشیدی کلاس موزیک از دارالفنون جدا و بصورت یک مدرسه مستقل زیر نظر وزارت معارف در آمد. این مدرسه نخستین تشکیلاتی است که برای تعلیم موسیقی غربی به روش علمی در ایران دایر شد.

بدریزاده، عزیزاله [Aziz-ollāh Badrizāde]: نوازنده چیره دست ویلن در اصفهان و از همکاران فعال تاج اصفهانی، رضا مرشدزاده، سید جلال داودی، عباس سروری و شکراله بیات.

بدری کشمیری [Badri Keśmiri]: از شاعران نیمه دوم سده دهم هجری. از این شاعر کتابی بنام "قصه ذولقرنین" به شماره Supp.501 در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد.

بدیع بلخی (Badiw Balxi) : از شاعران معاصر ابویحیی طاهر بن فضل بن محمد چنانی (۳۸۱ هجری) و معاصر دقیقی بوده است.

بدیع، سید رضا (Seyyed Rezâ Badiw) : پدر زنده یاد جواد بدیع زاده که با اصول موسیقی سنتی آشنا بود.

بدیع، محمد رضا (Mohammad Rezâ Badiw) : سید محمد رضا بدیع معروف به بدیع المتکلمین کاشی از واعظین معروف تهران که صدائی رسا داشته و به رموز موسیقی کاملاً واقف بود. او ردیف های موسیقی سنتی را خوب می دانست. سید جواد ذبیح زاده (ذبیحی) فرزند اوست. محمد رضا بدیع سبک درست خواندن را از منسوبین خود یعنی شمس الواعظین و سید الواعظین و همچنین حسین حاج غفار کاشی خواننده بنام و استاد شیخ حبیب اله شمس الذاکرین، فرا گرفت.

بدیع زاده، جواد (Javâd Badiwzâde) : زنده یاد جواد بدیع زاده در سال ۱۲۸۰ خورشیدی بدنیا آمد. بدیع زاده در اوائل دوره سلطنت دودمان پهلوی صفحه هائی در کمپانی هیز مسترز وُیس ضبط کرده و از همان موقع شهرت یافت. او از اولین خوانندگان رادیو بود که تا پایان عمر، حدود سی و هفت سال با رادیو همکاری داشت. جواد بدیع زاده اولین خواننده ای است که ترانه هایش را خودش می ساخت. از معروفترین تصنیف های بدیع زاده می توان به: تصنیف در دستگاه همایون با شعری از نوراله همایون، تصنیف شد خزان که شاعر آن زهی معیری بود، و در آلمان ضبط شد. بدیع زاده اولین خواننده ای بود که آواز بابا شامل یا کوچه باغی را که بعد ها بنام بیات تهران خوانده شد اجرا کرد. سال درگذشت این هنرمند گرانقدر؛ ۱۳۵۸ خورشیدی است.

بدیع زاده، دکتر هاشم (Doktor Hašem Badiw-zâde) : از اعضای موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

بدیع، محسن (Mohsen Badiw) : صدا بردار مشهور قدیمی ایران. مهندس محسن بدیع پس از تحصیلات مقدماتی در بصره، در سال ۱۹۳۲ میلادی به فرانسه رفت و در رشته مکانیک و برق موفق به دریافت دانشنامه شد. او پس از جنگ جهانی دوم به ایران مراجعت کرد و در سال ۱۹۴۷ میلادی دستگاهی برای ضبط صدا، روی فیلم سینما بطریقه نوری (اُپتیک) ساخت. او بعد ها استودیو بدیع را برای کار های ظهور، چاپ، دوبله و صدا گذاری روی فیلم تأسیس کرد.

بدیعی، حبیب اله (Habibolláh Badiwi) : استاد ویلن و از شاگردان مکتب ابوالحسن صبا. حبیب اله بدیعی در زمینه آهنگسازی برای فیلم هم دارای کارنامه درخشانی است. از نمونه کارهای او می توان به فیلم ولگرد که آن را استودیو ایران فیلم در سال ۱۳۳۱ خورشیدی ساخت اشاره نمود که آهنگ هائی از او با صدای خانم شمس و فاخته ای در آن فیلم پخش گردید. حبیب اله بدیعی در چهار فروردین ۱۳۱۲ در سواد کوه مازندران دنیا آمد. در سن چهار سالگی به ساری رفت و پس از ۲ سال اقامت در ساری راهی تهران شد. در ۶ سالگی مونس او یک گرامافون قدیمی با صفحاتی از قمر، بدیع زاده، تاج اصفهانی و ویلن صبا بود. اولین معلم حبیب اله بدیعی، استاد دکتر لطف اله مفخم پایان بود که این زنده یاد از شاگردان ممتاز استاد صبا بشمار می رود. بدیعی در سال ۱۳۳۰ رسماً در ارکستر ابراهیم منصوری مشغول بکار شد، و در سال ۱۳۳۳ شخصاً ارکستر خود را تشکیل می دهد که خواننده آن بانو شمس بود. حبیب اله بدیعی تا کنون بیش از ۲۰۰ آهنگ ساخته است. استاد حبیب اله بدیعی در آبان ۱۳۷۱ خورشیدی چشم از جهان فرو بست. آرامگاه او در امامزاده طاهر مهر شهر است.

بدیعی، رحمت اله (Rahmat-olláh Badiwi) : استاد ویلن و از شاگردان برجسته استاد ابوالحسن صبا که از فعالین ارکستر شماره ۱ هنرهای زیبای کشور در سال های ۱۳۳۰ و پس از آن بود. رحمت اله بدیعی، در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در شهر کاشان دنیا آمد. در ده سالگی به تهران آمد و در هنرستان عالی موسیقی نام نویسی نمود. از استاد های رحمت اله بدیعی در هنرستان می توان به بزرگان موسیقی ایران: استاد حشمت سنجرى، استاد رویک گریگوریان و استاد روبن صافاریان اشاره داشت. رحمت اله بدیعی ضمن یادگیری موسیقی کلاسیک، ۵ سال از مکتب، استاد ابوالحسن صبا بهره جست و خود تا مرحله استادی پیش رفت. استاد رحمت اله بدیعی در نواختن کمانچه هم مهارت بسیاری دارد.

بدیعی، ربیع (Rabiw Badiwi) : دکتر ربیع بدیعی، برادر بزرگ حبیب اله بدیعی است که ویلن را بسیار خوب می نواختند.

بدیعی، نادره **[Nádere Badiwi]** : نویسنده کتاب "تاریخچه ای بر ادبیات آهنگین ایران" که از این کتاب مطالب بسیاری برای درج در این دانشنامه مورد بهره برداری قرار گرفته است.

براتشه **[Brátše]** : (Bratsche) یا آلتو، ساز زهی آرشه ای از خانواده ویلن است.

برادران بخشی **[Barádarâne Baxši]** : تشکیلات کوچکی با عنوان: مرکز همه نوع اطلاعات موسیقی که نیاز مردم را به خواننده و نوازنده برای مناسبت های مختلف بر آورده می سازد. این تشکیلات در تهران قرار دارد.

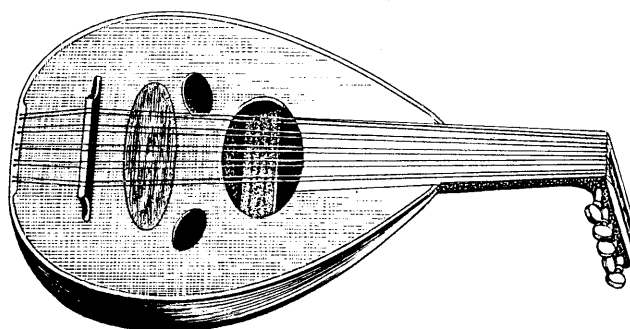
برادران لشگری، آموزشگاه موسیقی

[Ámuzesgahe Musiqiye Barádarâne Laşgari] : حسن، جواد، محمد و منوچهر لشگری چهار برادر هنرمند صاحب نام در موسیقی ایران در سال ۱۳۲۷ آموزشگاه موسیقی خود را در سه راه امین حضور تاسیس نمودند. معلمین مشهوری مانند: استاد جهانگیر کامیان، مسعود حسن خانی، رسول بزرگزاد، هوشنگ مرشدزاده، رضا اوشال، مختار محمدی و محمود محمدی در این آموزشگاه تدریس می کردند.

برازنده، عبدالحسین **[Abdolhoseyn Barázande]** : آهنگساز و نوازنده چیره دست تار و از همکاران نزدیک تاج اصفهانی که در ارکستر مرتضی خان محجوبی نیز فعالیت داشت. زنده یاد برازنده اهل اصفهان یکی از بهترین ترانه سازان موسیقی ملی (سنتی) بشمار می رود. به نمونه ای از کارهای این استاد عالیقدر در زیر اشاره می شود: "رنگهای طبیعت" در مایه افشاری. "به اصفهان رو که تا بنگری بهشت ثانی" در پرده اصفهان. "جور مهرویان" در ابو عطا. "دیدنی آخر دل ما را شکستی" در ماهور. شعر بیشتر این ترانه ها را حسن سالک سروده است. شعر تصنیف؛ "رنگ های طبیعت" از شیدای اصفهانی و شعر ترانه؛ "به اصفهان رو" از ملک الشعرا بهار است. جاودانه ترانه؛ "رنگ های طبیعت"، با صدای تاج اصفهانی است.

بربط (عود یا رود) **[Barbat]** : عود یا رود سازی است از خانواده سازهای رشته ای مقید. این ساز از یک کاسه صوتی گلابی شکل پر حجم با دسته ای کوتاه که سیم گیر ساز عمود بر آن است تشکیل شده است. چهار رشته سیم مزدوج داشته و به آن عود یا رود هم گویند. انواع مختلف بربط در کشورهای دیگری

چون ترکیه، عربستان و کشورهای اروپایی متداول است. این ساز بوسیله مضرابی از شاه پر پرندگان و انگشت گذاری بر روی پرده های آن بصدا در می آید. حارث بن کلدی، در دربار انزلیروان، نواختن بربط را آموخت و آن را در عربستان نشر داد.



برجسته، علی **[Ali Barjaste]** : از خوانندگان پیش از انقلاب که در حال حاضر فعالیتی از او مشاهده نمی شود.

برجیان، منوچهر **[Manucehr Borjyan]** : نوازندهٔ چیره دست نی و از شاگردان ممتاز استاد حسن کسائی.

برخورداریان، روزان **[Ruzan Barxurdaryan]** : از خوانندگان مشهور و صاحب نام در هنر اپرا که در حال حاضر در آمریکا زندگی می کند.

برخورداریان، گارگین **[Garegin Barxuraryan]** : موسیقیدان برجستهٔ ایرانی و از شاگردان ممتاز لئون گریگوریان.

بردیده، مهران **[Mehran Bardide]** : خواننده ای از استان فارس (شیراز) با آلبومی بنام: "شهر گئل" که از کارهای استاد ایرج سلطانی می باشد.

بردی کر، بهرام **[Bahrām Bardikor]** : نوازندهٔ مشهور کمانچه در ترکمن صحرا، استاد های او عبارت بودند از: نظری محجوبی و قزاق پنگ. بهرام بردی کر، ساکن بندر ترکمن است.

برزین، جهانشاه (Jahānšāh Barzin) : فرزند هنرمند گرانقدر جهانگیر برزین که دکتری خود را از آکادمی هنر وین دریافت داشته و تحصیلات او در رشته آواز اُپرا میباشد.

برزین، جهانگیر (Jahāngīr Barzin) : جهانگیر برزین در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در لاهیجان بدنیا آمد. پدر او عبدالحسین برزین در نواختن سه تار تسلط کامل داشت و دائی او زنده یاد عباس حقیقت خواننده ای ممتاز بود. جهانگیر برزین در سن ۸ سالگی نزد هنرمندی بنام فریدونی در لاهیجان درس موسیقی گرفت و پس از آن به تهران آمد و در کلاس استاد یوسف کاموسی، نوازنده چیره دست عود، تار و ویلن، یک سال از محضر ایشان فیض برد. از اقدامات استاد جهانگیر برزین، تأسیس آموزشگاه موسیقی در تهران بنام: بنگاه موسیقی کوکب و هم چنین انجمن موسیقی گیلان بود.

برزین، شهاداد (Šahdād Barzin) : فرزند دوم هنرمند ارزشمند جهانگیر برزین است که در وین اتریش گروه موسیقی آرش را اداره می کند.

برزین، شهریار (Šahryār Barzin) : موسیقیدان و نوازنده مشهور ایرانی در وین اتریش و فرزند پنجم هنرمند ارجمند جهانگیر برزین.

برزین، فریسا (Farišā Barzin) : از هم‌نوازان گروه موسیقی سنتی در تهران و فرزند سوم هنرمند گرانقدر جهانگیر برزین.

برزین، مسعود (Maswud Barzin) : نوازنده چیره دست سنتور و از اعضای فعال ارکستر ایزد خواست در سال ۱۳۳۰ خورشیدی.

برشو (Baršo) : بالارونده، بالا دسته، امروزه این واژه به جای واژه قدیمی و عربی؛ صاعده (بالارونده - بالادسته) استفاده می شود.

برغو (Borqu): از سازهای بادی قدیمی در عهد مغول و تیموریان. نوعی از آن را از برنج با طول سه برابر سرنا می سازند. زاکس، آن را؛ بوره بوره و بوری نوشته است.

برکشلی، پری (Pari Barkešli): از استاد‌های موسیقی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران. ایشان در این دانشکده پیانو تدریس می کنند.

برکشلی، دکتر مهدی (Doktor Mehdi Barkešli): استاد دانشکده هنرهای زیبا و رئیس اداره موسیقی کشور در سال های ۱۳۳۰ و پس از آن. همچنین عضو هیئت داوران گرده آزمون باربد. دکتر مهدی برکشلی از استاد‌های بنام هنرستان های موسیقی نیز بودند و در این هنرستان به تدریس اکوستیک تفصیلی و گام های ایران اشتغال داشتند.

دکتر برکشلی، در سال ۱۲۹۱ خورشیدی بدنیا آمد. در سال ۱۳۳۲ دکترای تخصصی خود را در علم اکوستیک (مربوط به شنوائی) از فرانسه دریافت داشت. او علاوه بر استادی دانشکده علوم دانشگاه تهران، مشاغلی مانند: مدیریت گروه فیزیک دانشکده علوم، معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ، آموزش عالی، ریاست کمیسیون یونسکو در ایران را بعهده داشت. ایشان نواختن ویلن را نزد، استاد علی نقی وزیری فرا گرفت و از همان زمان، تحصیلات آزمایشگاهی خود را در مورد اندازه گیری فواصل بین درجات گام موسیقی ایران آغاز نمود. استاد برکشلی، در سال ۱۳۳۸ خورشیدی، در پاریس با ویلن، دستگاه های موسیقی ایرانی را اجرا کرد و روی صفحه گرامافون ضبط کرد که اینک این گنجینه در صداخانه ملی پاریس نگهداری می شود. برگزیده کتاب های استاد برکشلی بقرار زیر است: موسیقی دوره ساسانی (۱۳۲۶)، گام ها و دستگاه های موسیقی ایرانی (۱۳۳۵) و موسیقی فارابی (۱۳۵۴).

برکوهان (Barkohán): آهنگ صدا، هم آهنگی آلات موسیقی. لطفاً به ابر بر کوهان نگاه کنید.

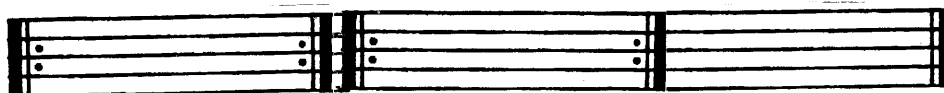
برگردان (Bargardán): گوشه ایست در آواز دشتی از ردیف های منسوب به منتظم الحکما.

برگشت (Bargašt): علامتی است که یک یا چندین میزان موسیقی را تکرار می کند. تمام میزان هائی که ما بین، دو، دولا خط پایان در نقطه ای قرار دارند بایستی دو باره اجرا شوند.

دو بار

دو بار

یک بار



چنانچه میزان آخر برگشت با تکرار آن متفاوت باشد، دومی را بعد از برگشت می نویسند و در بالای اولی این علامت (۳۱) و در بالای دومی این علامت (۳۲) را می گذارند.

برلیان (Berelyán) : نام سه تار مشهوری است که علی محمد صفائی آن را ساخته است.

برمکی، شهباز (Šahbáz Barmaki) : نوازنده چیره دست ویلن که در سال ۱۲۷۵ خورشیدی بدنیا آمد. او آموختن ویلن را در ۱۵ سالگی، نخست نزد ابراهیم آژنگ و سپس نزد حسین خان اسماعیل زاده فرا گرفت. شهباز برمکی ذوق موسیقی را از پدرش، ناصر همایون به ارث برد، وقتی همراه پدرش به تبریز رفت، برای تکمیل اطلاعات موسیقی، شاگرد لئون گریگوریان (پدر رویک گریگوریان) شد. او در تبریز کنسرت هائی با شرکت اقبال آذر برگزار کرد. شهباز برمکی، ویلن نواز مخصوص ولیعهد، مضافالدین شاه بود. زنده یاد برمکی در سال ۱۳۶۲ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

برموز، علی (Ali Barmuz) : از فارغ التحصیلان هنرستان عالی موسیقی در سال ۱۳۶۵.

برمه، پیربخش (Peirbaxš Berme) : از ذکر خوان های مشهور بلوچستان.

برنا، استودیو (Studyo Borná) : استودیو ضبط صدا و دوبله فیلم در خیابان دماوند تهران به سرپرستی حسن مصیبی در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی.

برنامه گل ها (Barnámeye Golhá) : اواخر سال ۱۳۳۴ خورشیدی، برنامه حاوی موسیقی سنتی ایران همراه با شعر در رادیو تولید و پخش شد که نام آن را برنامه گلها گذاشتند. ارکستر آن از نوازندگان ورزیده تشکیل و بیشتر آهنگ های آهنگسازان زیر را اجرا می کردند: علی نقی وزیری، روح اله خالقی، ابوالحسن صبا، موسی معروفی، جواد معروفی، علی تجویدی، مرتضی محجوبی، درویش خان، عارف و شیدا.

خوانندگان این برنامه عبارت بودند از: ادیب خوانساری، تاج اصفهانی، غلامحسین بنان، عبدالعلی وزیری، قوامی (فاخته)، عبدالوهاب شهیدی، محمودی خوانساری، اکبر گلپایگانی، مرضیه، آذر عظیمی، ملکه حکمت شعار، الهه، فرح، سیما بینا و زنده یاد پوران.

نوازندگان این برنامه عبارت بودند از: ابوالحسن صبا، معروفی، جلیل شهناز، عبادی، کسائی و حسین تهرانی. با گسترش رادیو، برنامه گُلها نیز تنوع و گسترش یافت و اکثر در دو قسمت اجرا می شد:

۱ - گُلهای جاویدان که در آن از یک یا دو ساز، به همراه خواننده استفاده می شد و اشعار آن بیشتر از شاعران قدیمی نظیر سعدی و حافظ و مولوی بود.

۲ - گُلهای رنگارنگ، که اشعار آن بیشتر از شاعران معاصر چون: رهی معیری، نواب صفا، معینی کرمانشاهی و منیرطه انتخاب می شد.

سرپرست و مبتکر برنامه گُلها استاد داود پیرنیا بود. شعرهای زمینه برنامه، توسط گوینده خوش صدای رادیو خانم روشنگ قرائت می شد.

برنجان (Berenjan): آهنگسازی که از او موسیقی فیلم "توبه نصوح" که کار محسن مخملباف است دیده ایم. البته موسیقی این فیلم با همیاری آهنگساز دیگری بنام احمد انوشه ساخته شده است.

برندق خجندی (Barandaq Xojandi): امیر بهاءالدین برندق خجندی از شاعران اواخر سده هشتم و اوایل سده نهم هجری بود و در دربارهای تیمور و بعضی از فرزندان و نوادگانش خدمت می کرد. سال تولد شاعر ۷۵۷ هجری و مرگ او در سال ۸۱۵ هجری اتفاق افتاده است.

بروجردی، اسد (Asad Brujerdi): زنده یاد اسد بروجردی نوازنده و استاد کمانچه در لرستان بود که سمت معلمی به همت علی سالم، نوازنده مشهور کمانچه را دارد.

بروجردی، فریده (Faride Brujerdi): از نوازندگان ارکستر سازمان فرهنگ و هنر و از همکاران نزدیک: پریسا، محمد حیدری، محمد موسوی، فرهنگ شریف، حسن منوچهری و نادر گلچین.

برومند، جهانشاه (Jahānsāh Brumand): دکتر جهانشاه برومند، نوازندهٔ چیره دست ویلن در سال ۱۳۲۷ خورشیدی در تهران بدنیا آمد و در سال ۱۳۵۳ موفق به اخذ دکترای دندانپزشکی از دانشگاه ملی ایران شد. دکتر برومند در ۱۲ سالگی نواختن ویلن را آغاز و اولین استاد او عبدالحسین برازنده بود.

برومند، ملکه (Malake Brumand): از خوانندگان قدیمی ایران در سال های ۱۳۱۶ و پس از آن که از او صفحاتی با پیانو استاد محجوبی و ویلن استاد ابوالحسن صبا در دست می باشد.

برومند، نورعلی (Nur-Ali Brumand) : استاد برجسته دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران. نورعلی خان برومند در سال ۱۲۸۴ خورشیدی در خانواده‌ای هنر دوست پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش میرزا عبدالوهاب جواهری مردی هنر دوست بود که محفلش خانقاه اهل ذوق و موسیقی بود. سماع حضور بزرگترین سنتور نواز عصر و درویش خان استاد مسلم موسیقی ایران و نوازنده کم نظیر تار از زمره کسانی بودند که اغلب در محفل هنری پدر نورعلی خان حضور داشتند. پس از درگذشت نورعلی خان برومند آقای ژان دورینگ فرانسوی که از جمله شاگردان ایشان بود، هفت دستگاه موسیقی ایران را به نت نوشته که فعلاً برخی از دانشجویان از آن استفاده می کنند. دکتر نورعلی برومند، اولین استاد گروه موسیقی دانشگاه تهران بود که ردیف آقا میرزا عبدالله را تعلیم می داد. دکتر برومند، در نواختن سنتور، سه تار و ضرب استاد بود. او به نواختن ویلن و کمانچه نیز آشنائی داشت. دکتر نورعلی برومند در سیزده سالگی آموزش موسیقی را آغاز نمود و سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفت. در سال آخر پزشکی به علت بیماری هر دو چشمش را از دست داد و پس از مراجعت به ایران، با تمام وجود به آموختن موسیقی پرداخت.

بره (Bare) : تنبور را گویند.

برهان آزاد، اسکندر (Eskandar Borhân Azád) : از معلمین قدیمی ویلن که سمت استادی به هنرمند گرانقدر، حسن اعتمادی نوازنده چیره دست ویلن و آهنگساز خوب ایران را دارد.

برهان بلخی (Borhâne Balxi) : از شاعران پارسی گوی سده هشتم در هندوستان که از زادگاه خود خراسان بعلت ناپسامانی اوضاع در آن زمان به هندوستان مهاجرت نموده است.

برهانی (Borhâni) : عبدالملک برهانی از شاعران عهد سلجوقی است که در دوره ملکشاه سلجوقی می زیسته است.

برهانی، محسن (Mohsen Borhâni) : از صدابرداران و صداگذاران فعال در رادیو و تلویزیون ایران، در تهران.

برهمندی، سهراب (Sohrab Barahmandi) : نوازنده ویلن آلتو در ارکستر مجلسی هنرستان عالی موسیقی، در سال های ۱۳۷۰ و پس از آن.

بزداغ (Bozdâq) : نوعی موسیقی قشقائی در آواز دشتی.

بُزُرْجمهر قاینی (Bozorjmehr Qâwini) : از شاعران عهد ناصرالدین سبکتکین و از مداحان سلطان محمود غزنوی بوده است.

بزرگ (Bozorg) : گوشه ای است در دستگاه شور و نام مقامی از ۱۲ مقام موسیقی قدیم. همچنین، دایره هفتادم از مجموعه ادوار موسیقی قدیم ایران است.

بزرگ

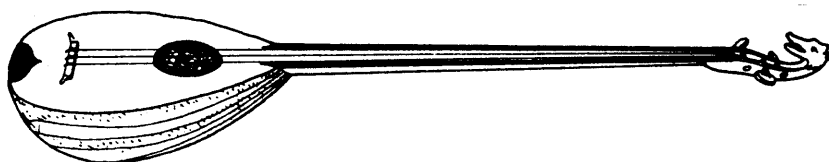


بزرگزاد، رسول (Rasul Bozorgzâd) : نوازنده چیره دست سنتور که در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در مشهد بدنیا آمد. فراگیری سنتور را وقتی شروع نمود که ده سال بیشتر نداشت. در تهران، با ابراهیم سلمکی و محسن بی آزار که هر دو از نوازندگان خوب سنتور بودند، آشنا شد. رسول بزرگزاد در سال ۱۳۳۰ به رادیو رفت و استاد جواد معروفی پس از امتحان از او، پیشنهاد همکاری با رادیو را داد. اولین برنامه ای که رسول بزرگزاد در آن شرکت داشت، برنامه "کارگران" بود که هر روز ساعت نیم بعد از ظهر پخش می شد.

بزرگ نیا، دانش (Dânes Bozorgnyâ) : از غزل سرایان مشهور سال های ۱۳۰۰ خورشیدی که برخی از اشعارش مورد استفاده قمر الملوک وزیری قرار گرفته است.

بزرگی، جعفر (Jawfar Bozorgi) : از خوانندگان مشهور و هم دوره ملوک ضرابی و احمد ابراهیمی که با ارکستر بهرام حسن زاده همکاری نزدیک داشت. لطفاً به ارکستر حسن زاده نگاه کنید.

بُزُق (Bozoq) : از سازهای رشته ای با جعبه ای صوتی شبیه به ماندولین. بزق، نوع کوچکی از تنبور است که جعبه صوتی آن بیضی شکل است و فارابی آن را تنبور بغدادی نامیده است. بزق، کلمه ای پارسی از لفظ بزرگ به معنی کبیر است.



بزمی، غدیر (Qadir Bazmi) : زنده یاد بزمی از نوازندگان زبردست دوتار در گذار مازندران بوده است.

بزمی گوش (Bazmi guš) : آوازی است با وزن های فراخ، نظیر "چپله" یا "چپلا" که تنها با کف زدن حضار و بدون ساز اجرا می شود. بزمی گوش، در مقایسه با سیا چمانه، که دارای متر آزاد است، دارای تقارن های ریتمیک بسیار سنگین است. بزمی گوش، از جمله آوازهای بسیار کهن در منطقه اورامان - کردستان است.

بساطی سمرقندی (Basati Samarqandi) : شاعر معاصر سلطان خلیل بن امیرانشاه گورکانی در سمرقند است. از این شاعر دیوان قصائد و رباعیاتی در کتابخانه ملی پاریس وجود دارد.

بسامد (Basamad) : فواصل را با نسبت های فرکانس، یعنی عکس نسبت های طولی گفته اند.

بستان شیرین (Bostane Širin) : از الحان موسیقی باستان ایران، و از الحان باربدی.

بسته (Baste) : لحنی از موسیقی قدیم ایران که آن را بسته نگار هم می خوانند و آن مرکب از حصار، حجاز و سه گاه است.

بسته نگار (Baste Negar) : نام دیگر بسته است که امروزه در ردیف های مختلف و در دستگاه های سه گاه، راست پنجگاه، چهار گاه، نوا و در آوازهای ابوعطا و افشاری می آید.



بسته‌نگار (Bastenegar) : شرکت تولیدی نوار و CD موسیقی ایرانی در تهران که از فعالیت بسیاری برخوردار است و مبادرت به تکثیر و پخش نوار اساتید بزرگ موسیقی ایران می‌کند.

بسحق اطعمه (Beshaq Atwame) : شیخ جمال الدین ابو اسحق اطعمه شیرازی از شاعران مبتکر در شعر فارسی است که در نیمه اول سده نهم هجری می‌زیست.

بس دست، علیرضا (Alirezâ Basdast) : نوازنده چیره دست فلوت که در سال ۱۳۳۵ در قصر شیرین بدنیا آمد. او در سن ۱۰ سالگی به نواختن تنبک و فلوت روی آورده و با کوزه تنبکی برای خودش ساخته بود. او بعد ها به نواختن نی می‌پردازد و در سال ۱۳۵۱ در رشته نی، نفر اول نی نوازی کشور شد. در سال ۱۳۵۵ علی رضا بس دست وارد هنرکده موسیقی ملی شده و زیر نظر زنده یاد استاد محمود کریمی مدت ها به فراگیری گوشه و ردیف های آواز ایرانی می‌پردازد. علی رضا بس دست با ارکستر هائی چون: ارکستر مجلسی تلویزیون و ارکستر سنفونیک تهران همکاری داشته است.

بسظامی آذر، ایرج (Iraj Bastâmi-Âzar) : خواننده خوش صدای گروه موسیقی دستان. گروه دستان به سرپرستی حمید متبسم از فعالیت گسترده ای در تهران برخوردار است. ایرج بسظامی آذر در سال ۱۳۳۶ در شهرستان بم بدنیا آمد. در ۸ سالگی تحت نظر عموی خود، یداله بسظامی که در نواختن تار مهارت داشت با موسیقی آشنا شد. بعد به تهران آمده و مدت ۵ سال افتخار شاگردی محمد رضا شجریان را داشت. ایرج بسظامی آذر از سال ۱۳۵۳ همکاری خود را با تلویزیون کرمان آغاز کرد. اولین آلبومی که از او انتشار یافت "افشاری مرکب" بود که در تالار رودکی آن را اجرا نمود. پرویز مشکاتیان را کاشف ایرج بسظامی آذر می‌دانند. پرویز مشکاتیان رهبری گروه عارف را بعهده دارد.

بسطامی، یداله (Yadollāh Bastāmi) نوازنده چیره دست تار و عود و نخستین معلم خواننده توانای ایران، ایرج بسطامی آذر.

بسکنه (Beskane): از الحان موسیقی باستان ایران.

بشار بن بُرد (Bešār ben Bord): ابو معاذ بشار بن برد ملقب به مرعث یعنی گوشواره دار از شعرای بزرگ عصر عباسی و از اهالی تخارستان ایران است. نسبت او به نامداران سلسله کیانیان ایران می رسد. این شاعر بزرگ در سال ۹۶ هجری در بصره بدنیا آمد. او کوری مادرزاد داشت. او در ده سالگی شعر گفت. به هجا بیشتر از سایر انواع شعر علاقه داشت. بشار بن بُرد را به اتهام کفر بقتل رسانیدند.

بشارت زدن (Bešārat zadan): اعلام خبر بوسیله یک ساز.

بشارتی، فرهاد (Farhād Bešārti): موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده چیره دست قانون که در آمریکا به فعالیت اشتغال دارد. فرهاد بشارتی در سال ۱۳۳۷ خورشیدی بدنیا آمد. از کودکی به موسیقی علاقمند شد. او دنبال سازی می گشت که کمتر کسی آن را بنوازد. از این رو پس از فراگیری سنتور، به قانون روی آورد. از آلبوم های فرهاد بشارتی می توان به "انعکاس" و "آبی عشق" اشاره داشت. فرهاد بشارتی در لس آنجلس زندگی می کند.

بشقابک (Bošqābak): از گروه سازهای ضربه ای. نوعی از ساز کوبه ای بدون پوست با کوبه هائی از جنس چرم. سازی بزمی، متشکل از دو بشقابک کوچک چوبی که در ناحیه وسط هر کدام از آن ها، برجستگی های متعدد، تعبیه شده است.

بشکن (Beškan): آوازی که از انگشتان شخص در حال رقص و غیر آن بیرون می آید و حفظ اصول وزن کند.

بشیری، مظفر [Mozafar Basiri]: مظفر بشیری در سال ۱۳۱۹ در شهرستان ساوه بدنیا آمد. عمومی او مشوق او در یادگیری موسیقی بود طوری که برای او یک تار کوچک میسازد و او را تحت تعلیم خود قرار می دهد. مظفر بشیری در سن ۱۶ سالگی به تهران آمده و در کلاس استاد محمود ذوالفنون ثبت نام می کند. پس از چندی نزد استاد حسین یاحقی رفته و مدت ۵ سال از محضر ایشان فیض می برد. معلم دیگر مظفر بشیری، هنرمند گرانقدر کشورمان منوچهر همایون پور بود. مظفر بشیری از سال ۱۳۴۵ همکاری خود را با رادیو تلویزیون آغاز نمود.

بصیرت زاده، کریم [Karim Basiratzāde]: کریم بصیرت زاده در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در اصفهان بدنیا آمد. او در سن ۱۶ سالگی نزد هنرمندی بنام علی روح افزا رفته و مشغول فراگیری و نواختن تار گردید. مدتی هم از مکتب استاد اکبر خان نوروزی فیض برد. آموختن قره نی و ترومپت را نزد استوار طغیانی فرا گرفت و از زمان خدمت سربازی همکاریش را با رادیو اصفهان و در برنامه ارتش شروع کرد. استاد کریم بصیرت زاده ۵۰ سال است که می نوازد و یکی از زنده ترین تعمیرکاران ساز بشمار می رود.

بصیرت، علی اکبر [Ali-Akbar Basirat]: از خوانندگان خوش صدا که در اصفهان فعالیت دارد.

بصیری، محمود [Mahmud Basiri]: نوازنده ویلن، سازنده ساز و هنرمند نقاش در سال ۱۳۱۴ خورشیدی در تجریش شمیران بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی و متوسطه خود را در دبستان و دبیرستان شاهپور تجریش به پایان رساند. محمود بصیری همزمان با یادگیری هنر نقاشی، نزد زنده یاد شاپور نیاکان رفته و ویلن را از ایشان آموخت. سپس نزد زنده یاد مهندس رضا روحانی پدر انوشیروان و شهداد روحانی رفت و با ثبت نام در هنرستان عالی موسیقی، سال ها از مکتب استاد زنده یاد حسین یاحقی فیض برد. استاد حبیب اله بدیعی از دیگر استاد هائی بود که محمود بصیری را آموزش داد.

بصیری، میترا [Mitrā Basiri]: استاد پیانو در آموزشگاه موسیقی چنگ تهران.

بصیری، وحید [Vahid Basiri]: نوازنده پیانو، ارگ و کی بُرد که از او آلبوم: "خاطرات رنگارنگ" در دسترس می باشد. وحید بصیری در رُس آنجلس زندگی می کند.

بَطال [Batal] : نای بزرگ که به موسیقار یا چند نای شهرت داشته. نوعی از این ساز در کشور رومانی دیده شده.

بُعد [Bowd] : در موسیقی قدیم، فاصله را می گفتند. فاصله ما بین هر پرده و خرک. امروزه بُعد، مفهوم فاصله ما بین دو نُت، یا نُت های موسیقی را با توجه نسبت فرکانس موجود بین آن ها، دارد.

بُعد پنجم [Bowde Panjom] : دانگ دوم به اضافه پرده طینی را گویند.

بُعد طینی [Bowde Tanini] : فاصله دوم بزرگ در موسیقی امروز، $1 + 1/8$ که بُعدی ملایم، در ابعاد لحنی است.

بغدادی [Baqdādi] : گوشه ای است در آواز ابوعطا، از درجه پنجم شور و شبیه حجاز.

بَغلاما [Baqłamā] : سازی است از خانواده آلات موسیقی رشته ای، از رده تبور. این ساز بیشتر در ترکیه رواج دارد. طول این ساز ۱۲۴/۵ سانتی متر است.

بَقَاء، نادر [Baqā, Nāder] : نادر بقاء در نهم شهریور ماه ۱۳۳۵ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴ در دانشسرای هنر با هنرهای رقص، موسیقی، نقاشی و تأثر آشنا شد و سازهای آکوردئون و پیانو را بعنوان سازهای تخصصی برگزید. این هنرمند، ردیف های موسیقی ایرانی را از استاد محمود کریمی آموخت. او از همکاران هنرمند برجسته خانم گلنوش خالقی بود. نادر بقاء در سال ۱۳۵۵ به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران راه یافت و در سال ۱۳۶۲ از این دانشکده پس از نوشتن ترمارش پیروزی برای ارکستر سمفونیک فارغ التحصیل شد. نادر بقاء در زمینه موسیقی کودکان و نوجوانان تلاش بسیار نموده و از او آثار متعددی قابل ذکر است، او ۸ سال تمام در زمینه فوق فعالیت مستمر داشته است. از تجربیات آهنگسازی او می توان به تصنیف های ایزد یکتا و درختکاری اشاره نمود. نادر بقاء با گروه مژده در مورد موسیقی سنتی ایران نیز همکاری نزدیکی داشته است. موسیقی فیلم قافله سالار نیز از ساخته های او می باشد.

نادر بقاء در سال ۱۳۷۴ به آمریکا مهاجرت نموده و ضمن آموزش پیانو به علاقمندان فن موسیقی با رادیو و تلویزیون های فارسی زبان لس آنجلس و خصوصاً برنامه کودکان آن ها همکاری نزدیکی داشته است.

بقیه (Baqqye) : که به اختصار "ب" علامت گذاری شده و نیم پرده کوچک **(Limma)** در گام های موسیقی قدیم ایران پس از اسلام است. بقیه را؛ دوم کوچک و کم کوچک هم می گفته اند.

بک (Bak) : ۱. قسمت کناره تنبک را گویند. ۲. ایجاد صدای بک، با دست راست و چپ.

بکار (Bekâr) : از علامات موسیقی که صدای نُت هائی را که بوسیله علامات تغییر دهنده دیگر عوض شده بحالت اول بر می گرداند. بکار را با علامت **ب** نشان می دهند.

بکداهش خانه (Bekdâs xâne) : از ۹۷ اصطلاح موسیقی ایرانی.

بلا (Belâ Alvandi) : بلا الوندی هنرمندی که کارش را به اتفاق خواهر هنرمندش آلیس از برنامه کودک رادیو در سال ۱۳۳۵ به سرپرستی استاد داود پیرنیا شروع کرد. در آن زمان هنرمند گرانقدر، خانم سیما بینا نیز شرکت داشت. سرپرست گروه موسیقی آن روز برنامه کودک با هنرمند گرانقدر؛ مهندس سعید قراچورلو بود.

بل، استودیو (Stidio Bel) : استودیو ضبط صدا در تهران که در سال های پیش و پس از ۱۳۵۰ از فعالیت بسیار خوبی برخوردار بود. از صدابرداران این استودیو می توان به ایرج حقیقی اشاره نمود.

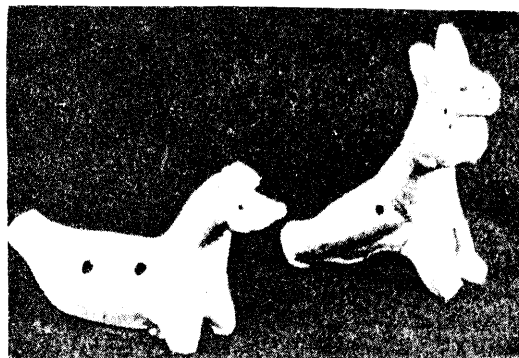
بلازبالگه (Belâzbâlge) : دستگاهی که بوسیله آن بتوان هوا برای دمیدن ارگ ایجاد کرد. سابقاً این دستگاه شبیه دم آهنگری بود ولی امروزه از شکل الکتریکی آن استفاده می شود.

بلاک کتز، گروه (Blâk-katz Gruh) : گروه موزیک پاپ که سالیان دراز در آمریکا فعال بوده تا اینکه در سال ۱۹۹۹ خواننده آن؛ "پیروز پاینده آزاد" از این گروه کناره گیری کرده و مستقلاً فعالیت می کند. گروه بلاک کتز در ابتداء متشکل بود از: شهبال شب پره، رهبر گروه، نوازنده پرکاشن و کی بُرد، دیوید بت سامو **(David Betsamo)** نوازنده کی بُرد، گیتار و برنامه ریز و پیروز پاینده آزاد خواننده، نوازنده گیتار، کی بُرد و پرکاشن بود. امروزه ترکیب این گروه بشرح زیر است: "شهبال شب پره"، "دیوید بت سامو"، "رامین"، "کامران"، "هومن" و "برنت".

بُلُبُل تنبور (Bolbol tanbur) : خرک تنبور، چوب کوچکی که تراشیده، بر کاسه تنبور قرار می دهند.

بُلْبُل خان (Bolbol-xân) : از خوانندگان مشهور زمان مظفرالدین شاه.

بُلْبُلِی (Bolboli) : سازی است بادی. ساختمان این ساز از مجسمه ای کوچک و میان تهی از جنس گیل به شکل پرنده تشکیل شده. سوراخ دمیدن گاهی از سوی منقار و گاهی از سوی دُم پرنده است. این ساز بیشتر برای سرگرمی کودکان ساخته می شود.



بلوچ (Baluc) : از خوانندگان مشهور زن در دوران ناصری.

بلوچستان، موسیقی (Musiqiye Balucestân) : در بلوچستان، موسیقی، بخش جدائی ناپذیر زندگی مردم بلوچ است. موسیقی بلوچ تحت تاثیر، موسیقی هندی قرار دارد. موسیقی بلوچ انواع مختلفی بشرح زیر دارد: سپت (صفت)، وزیت، شبتاگی، لاروششگانی، لیلو، سوت، نازنیک، لارو، هالو، شعر، موتک، امبا، آوازهای گواتی، آوازهای مالد، موسیقی های رقص، آواز کردی، ذهیروک و لیکو؛ که از بنیادی ترین آوازهای منطقه بلوچستان هستند. ذهیروک، مربوط به منطقه مکران و لیکو، مربوط به مناطق سرحدی است.

بلوچ، علی محمد (Ali Mohammad Baluc) : نوازنده چیره دست قیچک در بلوچستان.

بلوچ مالداری، شه میر (Šahmir Baluc-maldâri) : شه میر، در سال ۱۳۰۶ خورشیدی در طیس کویان (Tayes Kopan) از توابع چابهار بلوچستان دنیا آمد. او، ۳۰ سال است که خواننده ذکرهای گواتی است و حدود ۲۵ سال است که به عنوان خلیفه، مراسم گواتی در مناطق جنوبی بلوچستان را اداره می کند.

بله و بله و بعله دیگه **(Bale vo bale vo bawle dige)** : عبارتی به مفهوم وزن چهار ضربی که سابقاً بین نوازندگان تنبک معمول بوده است.

بلیده، محمد **(Mohammad Bolide)** : خلیفه مشهور نیک شهر و قصر قند بلوچستان که مراسم "مالید" را رهبری می کند.

بم **(Bam)** : آواز درشت و خشن آدمی و ساز. صدایی با ارتعاشات صوتی کمتر از صوت زیر در فضا. ضخیم ترین سیم در سازهای زهی را گویند.

بمُل **(Bemol "b")** : علامتی است که صداهای طبیعی را نیم پرده کروماتیک پائین می آورد. دو یا دبل بم **"bb"**، یک نُت را یک پرده پائین می آورد. ردیف های بمل ها، بعد از کلید نُت چنین است: سی، می، لا، ر، سُل، دو، فا و در سیستم آمریکائی عبارت از **B, E, A, D, G, C, F**.



بنان، غلام حسین **(Qolám-Hoseyn Banán)** : زنده یاد غلامحسین بنان در سال ۱۲۹۰ خورشیدی بدنیا آمد. او فرزند هشتم کریم خان بنان الدوله نوری است. او در رشته آواز از شاگردان مکتب استاد ابوالحسن صبا بود. از زیباترین آوازهای بنان می توان به دیلمان و آواز شوشتری اشاره کرد. ترانه الهه ناز او، از ترانه های جاودان موسیقی ایران است.

غلامحسین بنان پسر بنان الدوله است و استاد او میرزا طاهر ضیاء (ضیاء الذاکرین) بوده است. بنان از سال ۱۳۲۰ خورشیدی جزو خوانندگان رادیو شد. صوت بنان هر چند کوتاه و کم وسعت است ولی بسیار لطیف و جذاب است. در تمام اجراهای زنده یاد بنان دیده نشده که حتی یکبار پرده ای را اشتباه کند. سبک آواز خوانی بنان مخصوص خود اوست.

بنان در ابتداء در گلهای جاویدان و سپس در گلهای رنگارنگ و برگ سبز شرکت داشت و قریب هفتاد برنامه گلهای با صدای جاودانه او ضبط شده است. مادر بنان، پیانو می زد، خاله اش، نی و خواهرش نزد مرتضی نی داود مشق تار می گرفت. بنان در حادثه اتوموبیل در جمعه ۲۷ دیماه ۱۳۳۶ یک چشم خود را از دست می دهد. استاد بنان در هشتم اسفند ۱۳۶۳ فوت نمود.

بناء، منوچهر (Manucehr Banà) : نوازنده ویلن در گروه همناوزان موسیقی سنتی آموزشگاه موسیقی چنگ تهران به رهبری جواد هادیان و محمد قدیمی و باقرامامی.

بنائی (Banàì) : با تخلص "حالی" از شاعران بنام ایران در سده نهم و اوائل سده دهم است. نام این شاعر؛ کمال الدین شیرعلی است.

بنائی، اکی (Aki Banàì) : اکرم بنائی، خواننده ای با صدای متفاوت و هم دوره نوش آفرین، لیلا فروهر و شهره. اکرم بنائی، خواهر پوری بنائی هنرپیشه سرشناس و هنرمند سینمای ایران است. از کارهای شایسته این هنرمند، اقدام او برای نوشتن یک سری کتاب در باره تاریخ و هنر ایران است. اکرم بنائی، در تهران زندگی می کند. کتاب های اکرم بنائی از آغاز به سه زبان؛ فارسی، انگلیسی و فرانسه خواهد بود.

بنجو (Benjo) : از سازهای بلوچی که مستطیل شکل بوده و با مضراب پلاستیکی سه گوش نواخته می شود. بنجوی گروه عبدالرحمن سورزهی از سراوان ۶ سیم دارد.

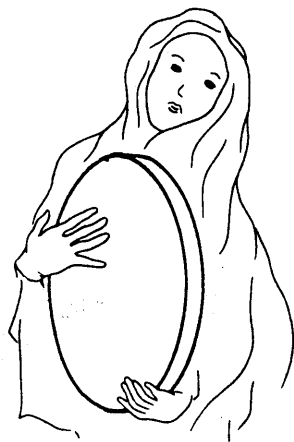
بند (Band) : حلقه ای است میان نظم و نثر که مورد استفاده شعرای فارسی و ترکی زبان قرار می گیرد. شعرای عرب آن را از ایرانیان اقتباس کرده اند.

بند (Band) : دسته، گروه، باند، هیئت و گروه موسیقی و گرد هم آئی هنرمندان موسیقی را گویند.

بندستان (Bandestán) : یکی از هشت مقام موسیقی در زمان بهرام پنجم ساسانی.

بند شهریار (Bande Šahryār) : نام لحنی از موسیقی قدیم ایران. این آهنگ به مناسبت افتتاح سدی بر روی رودخانه دجله در زمان خسرو پرویز ساخته شده است.

بندیر (Bendir) : از سازهای ضربی یا کوبه ای که در هزار و صد سال پیش بوجود آمد. این ساز شبیه دف یا دایره است و قطر آن در مراکش به ۳۷/۵ سانتی متر می رسد.



بنصیر (Benser) : انگشت سوم و پرده سوم بر اسبابهای موسیقی قدیم. نام قدیمی یکی از پرده ها.

بنفشه (Banafše) : در آمدی در ماهور که در ردیف ابوالحسن صبا به چشم می خورد.

بنفشه (Banafše) : خواننده ای که از او آلبوم: "درد غریبی" در دسترس می باشد. این آلبوم توسط شرکت پارس ویدئو در آمریکا تهیه و پخش گردیده و در این آلبوم ۶ ترانه: پیش میآد دیگه، درد غریبی، نکنه جوابت کردند، باغ گلی، خورشید عشق و نور آسمان وجود دارد. اخیراً، بنفشه، همراه با زوج هنری خود بامبوس، آلبوم دیگری بنام: "عطر بنفشه" اجرا و تولید نموده است.

بنکدار، فرشید (Farsid Bonakdar) : از خوانندگان خوش صدا که در خراسان فعالیت دارد.

بنکدار، محمد (Mohammad Bonakdar) : نوازنده مشهور عود که در خراسان فعالیت دارد.

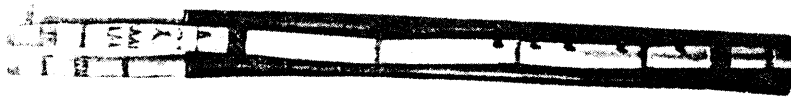
بواریق الالما، کتاب (Ketabe "Bavariq-ol-almá") : کتابی در خصوص موسیقی که توسط مجتهدالدین غزالی برادر محمد غزالی نوشته است.

بوحنیفه اسکافی (Buhnife Askâfi) : از شعرای مرو و در شمار شاعران ملوک آل ناصرالدین بوده است و مدتی هم در دربار سلطان ابراهیم غزنوی در سال ۴۵۰ هجری بسر برده است.

بوذری، ابراهیم (Ebrâhim Buzari) : خواننده مشهور قدیمی که ردیف های موسیقی را از استاد ابوالحسن اقبال آذر آموخت از استاد های دیگر او می توان به شیخ حبیب اله شمس الذاکرین کاشی اشاره داشت. ابراهیم بوذری همدوره رضا قلی میرزا ظلی و ملوک ضرابی بود. او یکی از اعضای موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی است.

ابراهیم بوذری در سال ۱۲۷۴ خورشیدی در قریه کرود، از توابع طالقان دنیا آمد. در سن ۵ سالگی، همراه با والدین خود به تهران آمد. زنده یاد، استاد ابراهیم بوذری، دستگاه ها و گوشه های آوازهای ایرانی را نزد: اقبال السلطان، سید حسین طاهرزاده و ابوالحسن صبا فرا گرفت. استاد بوذری، در سال ۱۳۶۵ خورشیدی چشم از جهان فرو بست.

بور (Bur) : از آلات موسیقی قدیم. بور سازی است بادی و یک زبانه ای از رده نی لیک. نام این ساز به صورت های: بور، بورو، بوری و حتی بلور در فرهنگ های مختلف آمده است.



بوزلی، بخشی (Baxsi Buzli) : از موسیقیدان های مشهور ترکمن صحرا که در ۱۵۰ سال پیش می زیسته است.

بوسکه (Buske) : Bousquet استاد فرانسوی موزیک که آموزش دسته موزیک دربار ناصرالدین شاه را به عهده داشت.

بوسلیک (Bu-salik) : لحنی است از موسیقی قدیم و مقامی است از جمله ۱۲ مقام موسیقی ایران. در موسیقی امروز ایران نام گوشه ایست در دستگاه نوا.

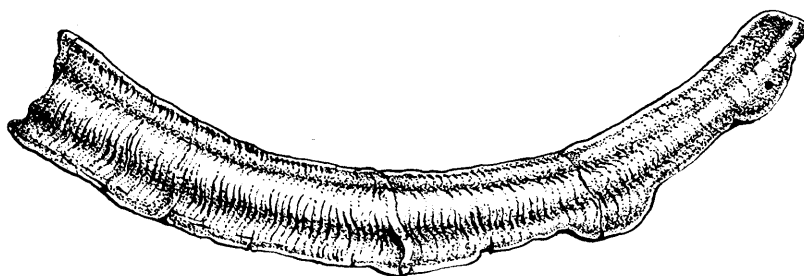


بوشکور بلخی (Buşakur Balxi) : از شاعران سده چهارم و همدوره با رودکی و فردوسی است. کتاب آفرین نامه را به این شاعر نسبت می دهند.

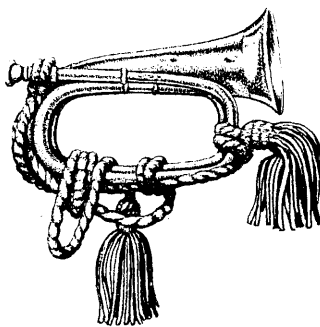
بوق (Buq) : سازی است بادی، جنس این ساز بیشتر از شاخ حیوانات است. امروزه جنس آن فلزی است. کاربرد بوق اغلب برای اعلام خبر و ایجاد صوت هراس انگیز است. در موزه باستان شناسی سن پترزبورگ (لنینگراد پیشین)، بشقابی متعلق به دوره ساسانی وجود دارد که در روی آن ۶ نفر نوازنده بوق دیده می شوند.

پیش از هخامنشی یک ساز بادی سفالی در کاوش های باستان شناسی هفت تپه پیدا شده که به عقیده دکتر عزت اله نگهبان، باستان شناس معروف ایرانی، متعلق به اواسط هزاره دوم پیش از میلاد است. لذا این کهن ترین آلت موسیقی بادی است که در جهان وجود دارد.

در کاوش های سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۶ میلادی که در چغامیش خوزستان توسط هلن جی کانتور انجام شد، مهری بدست آمد که مربوط به سه هزار و چهارصد سال پیش از میلاد مسیح است. روی این مهر یک نوازنده بوق شاخی، یک نوازنده نقاره، یک نوازنده چنگ و نفر آخر که مشغول خواندن است، نقش بسته اند.



بوگل (Bugl) : از آلات بادی که در مقاصد نظامی مورد استفاده قرار می گیرد. این ساز، همراه با چهار ساز دیگر، خانواده ساکس هورن را تشکیل می دهند: بوگله کوچک (می بمل)، بوگله سپرانو (سی بمل)، بوگله آلتو (م بمل)، یک اکتاو بم تراز بوگله کوچک و بوگله باریتون (سی بمل)، یک اکتاو بم تراز بوگله سپرانو است.



بوم باردا (Bombardâ) : ساز بادی چوبی با زیانه دوپل و از خانواده شالوماها و یا سرناها. این ساز در اندازه های مختلف ساخته می شود: بوم بارد باس، بوم بارد کنترباس (بوم بردون)، بوم بارد تنور (باس بوم بارت) و بوم بارد آلتو (بوم بارد پیکولو). این ساز را جد، سازی بنام باسون می دانند.

بویز (Boyz) : گروه موسیقی پاپ متشکل از مایکی، کیا و روژه. این گروه توسط کوچی زادوری: عکاس، فیلمبردار، ترانه سرا و سازنده ویدئو موزیک های ایرانی در رأس آنجلس بوجود آمد. او مدیر برنامه های این گروه است. گروه بویز فعالیت خود را در سال ۱۹۹۴ در آمریکا شروع کرده و امروزه از گروه های بسیار فعال می باشد. مایکی در تهران دنیا آمد و در سن ۱۱ سالگی همراه با خانواده اش به آمریکا مهاجرت نمود. از او اشعاری بزبان انگلیسی که برخی از خوانندگان آمریکائی آن ها را خواندند در دست می باشد. کیا، اهل شیراز است که در ۹ سالگی ایران را ترک گفته و به آمریکا می آید. روژه: در تهران دنیا آمده و او در سن ۱۱ سالگی ابتدا به آلمان رفته و در سال ۱۹۹۶ به آمریکا می آید و بلافاصله به گروه بویز که مدتی از فعالیت آن گذشته بود می پیوندد.

بهادران، بهنام (Behnāl Bahādorān) : از صدابرداران رادیو و تلویزیون ایران.

بهادری، عثمان (Osman Bahādori) : خواننده سرشناس خراسانی که در تربت جام زندگی می کند.

بهار (Bahār) : یکی از هشت مقام موسیقی در زمان بهرام پنجم ساسانی که پس از حمله عرب، به چهار مقام دیگر به ۱۲ مقام افزایش پیدا کرد.

بهار (Bahār) : خواننده خوش صدائی که صدایش نزدیک به صدای خواننده بزرگ و مشهور ایران عهدیه است. آهنگساز معروف، داود اردلان تبریزی برای او آهنگ ساخته و از او آلبوم های: "نماز عشق" و "کوچه" در دسترس می باشد.

بهارِ بِشکنه (Bahāre Beškane) : نام لحنی از موسیقی باستان ایران.

بهار، تاتر (Teātre Bahār) : واقع در کوچهٔ مهراں که مکانی برای عرضه هنر نمایش و موسیقی بود. از هنرمندان این تاتر می توان به زنده یاد رحیم روشنیان و ایرج دوستدار اشاره داشت.

بهارک (Baharak) : خواننده ساکن لس آنجلس با آلبوم: "خاطره" که اشعار ترانه های آن از هما میر افشار و هنرمند گرانقدر کشورمان جهان بخش پازوکی بوده و آهنگ های آن را کاظم عالمی و جهان بخش پازوکی ساخته اند.

بهار، محمد تقی (ملک الشعرا) (Mohammad-Taqi Bahar - Malek-ol-Soara) : میرزا محمد تقی متخلص به بهار در ۱۲ ربیع الاول ۱۳۰۴ هجری قمری در مشهد بدنیا آمد. ملک الشعرا بهار بدون تردید یکی از بزرگترین پارسی گویان ایران است. او گذشته از شاعری، محققى ارزشمند، نویسنده ای فعال و روزنامه نگاری مبتکر بود. او از هفت سالگی به سرودن شعر پرداخت و از محضر میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری بهره گرفت. بهار در ۱۴ سالگی در جمع آزادی خواهان حاضر و به مشروطه خواهی دل بست. بهار در سال ۱۳۷۰ هجری قمری درگذشت. اشعار بهار همواره مورد استفاده آهنگسازان و خوانندگان قرار گرفته و می گیرد.

بهارلو، محمد (Mohammad Baharlou) : موسیقیدان و رهبر ارکستر بنام خودش هم دوره با زنده یادان: جواد بدیع زاده و داریوش رفیعی. از اقدامات محمد بهارلو، انتشار آثار باقیمانده از استاد ابو الحسن صبا است که این کار را به اتفاق زنده یاد دکتر لطف اله مفخم پایان و همسر گرانقدر صبا انجام داده است. ساز تخصصی محمد بهارلو، ویلن است. او در سال های پیش و پس از ۱۳۳۰ خورشیدی، مدت ها، رئیس ارکستر برنامه ارتش در رادیو ایران بود.

بهارى، اکبر (Akbar Bahari) : استاد و نوازنده چیره دست کمانچه و از اعضای فامیل هنرمند بهاری.

بهارى، حسن (Hasan Bahari) : استاد کمانچه و از خانواده هنرمند بهاری.

بهارى، على اصغر (Ali-Asqar Bahari) : استاد بی نظیر در نواختن کمانچه و از اعضای خانواده هنرمند بهاری. استاد حسین خان اسماعیل زاده، نوازنده بزرگ کمانچه، دائی علی اصغر بهاری است.

بهاری، محمد تقی **(Mohammad Taqi Bahari)** : نوازنده چیره دست کمانچه و پدر استاد علی اصغر بهاری.

بهاء الدین ساوجی **(Bahá-eddin Sávoji)** : از شاعران سده هشتم هجری است که از او دیوان شعری در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار وجود دارد.

بهبود، فرمان **(Farmán Behbud)** : نوازنده و استاد تعلیم پیانو که سمت استادی به هنرمند گرانقدر، محمد جواد ضرابیان دارد.

بهبود، فریده **(Faride Behbud)** : از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی در رشته پیانو.

بهبهانی **(Behbaháni)** : نام گوشه ای در دستگاه همایون.

بهبهانی، سیمین **(Simin Behbaháni)** : شاعره مشهور معاصر، خانم سیمین بهبهانی در سال ۱۳۰۶ در تهران بدنیا آمد. پدر ایشان عباس خلیلی، مدیر روزنامه اقدام بود. خانم بهبهانی در غزل سرائی، سبک خاصی دارد. از اشعار این شاعره نامدار تا کنون چند دفتر بچاپ رسیده، از جمله: "جای پا"، "چلچراغ"، "مرمر"، "رستاخیز"، "خطی ز سرعت" و "از آتش و دشت ارژن". سروده هایش را خوانندگان بسیاری خوانده اند، مانند:

دلا میزند، آتشم زد، با صدای مرضیه

به یادت بودم، با صدای کورس سرهنگ زاده

طاق یا جفت، با صدای سیما بینا

پاکی دل، با صدای ناصر مسعودی

من و خاکستر، با صدای عهدیه.

علاوه بر خوانندگان اشاره شده در بالا، خوانندگان دیگری اشعار ایشان را خوانده اند، از جمله:

دیدنی چه کردی با دلم، با صدای صدیق تعریف

دو باره می سازمت وطن، با صدای حمید ادیب.

بهبودی، داود (Dávood Behbudi) : خواننده خوش صدا و فعال که از او ترانه های بسیاری را در خارج از کشور شنیده ایم. داود بهبودی در لس آنجلس زندگی می کند.

بهجت الروح (Behjat-ol-ruh) : رساله ای در موسیقی، تألیف صفی الدین گرگانی در سده دهم هجری در مورد موسیقی ایران.

بهجت، دکتر احد (Doktor Ahad Behjat) : نوازنده چیره دست سنتور و استاد این رشته در هنرستان موسیقی تبریز. لطفاً برای آگاهی بیشتر به هنرستان موسیقی تبریز نگاه کنید.

بهداد، منوچهر (Manucehr Behdád) : منوچهر حقیقی (بهداد) از اعضای تیم نگارش خط نوت کتاب؛ ردیف سازی هفت دستگاه موسیقی سنتی ایران، گرد آوری زنده یاد استاد موسی معروفی. این کتاب در سال ۱۳۴۲ از طرف اداره هنرهای زیبای کشور و بار دیگر در سال ۱۳۵۲ منتشر شد که اینک نایاب است. از دیگر افرادی که برای خط نوت این کتاب زحمات زیادی را متحمل شدند به غیر از منوچهر بهداد، می توان به آقایان محمد بهارلو، علی اصغر هنرجو و موسی مکابی اشاره کرد.

بهرام (Bahrám) : خواننده آوازهای اصیل ایرانی در لس آنجلس.

بهرام بیگ، عماد (Emád Bahrám-Beyg) : نوازنده چیره دست تار در گروه موسیقی حافظ به سرپرستی علی تحریری. در حال حاضر ما دارای دو گروه موسیقی بنام حافظ هستیم که سرپرست گروه دیگر حافظ با پُژمان طاهری است.

بهرام زاده، اصغر (Asqar Bahrám-záde) : نوازنده چیره دست آکوردئون که در تبریز فعالیت دارد.

بهرام، موزیک (Muzike Bahrám) : تشکیلات کوچکی برای خرید و فروش و اجاره سازهای سنتی، ارگ، جاز، آمپلیفایر، گیتار و سازهای بادی که در تهران قرار دارد.

بهرامی (Bahrâmi) : استاد ابوالحسن علی بهرامی سرخسی، از شاعران عصر اول غزنوی است. از اشعار این شاعر چنین بر می آید که او از روش شعرای عهد ساسانی متأثر بوده است و همان خصائص را در شعر او می بینیم.

بهرامی، فرج اله (Faraj-ollâh Bahrâmi) : رئیس انجمن موسیقی ملی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

بهرامی، محمود (Mahmud Bahrâmi) : از اعضای موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی.

بهرامی، همایون تاج (Homâyun-tâj Bahrâmi) : بانو همایون تاج بهرامی، از اعضای موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بودند.

بهروزی (Behruzi) : آهنگساز و نوازندهٔ چیره دست در آمریکا که از او آلبوم: "یک فنجان چای" همراه با موسیقیدان ایرانی خسروی در دسترس می باشد.

بهروزی، شاپور (Šâpur Behruzi) : مولف کتاب "چهره های موسیقی ایران" در سال ۱۳۰۴ خورشیدی در شیراز دنیا آمد. در چهار سالگی به تهران آمد و پس از اتمام تحصیلات متوسطه در وزارت دارائی بکار مشغول شد. او تحصیلات خود را در دانشکده حقوق و علوم سیاسی پایان رسانید و در شرکت نفت ایران به کار مشغول شد. شاپور بهروزی در سال ۱۳۵۹ باز نشسته شد. او از نخستین قلم زنان سینمایی نویس در ایران است و سال ها با مطبوعات کشور از جمله: صبا، فردوسی، کاویان، هالیوود و ستارهٔ سینما همکاری داشته است. عشق و علاقه او به موسیقی اصیل ایرانی سبب شد که از چهل سال پیش با شور و اشتیاق به گرد آوری و ضبط آثار موسیقی ایرانی بپردازد. شاپور بهروزی در حال حاضر در تورنتو کانادا زندگی می کند.

بهروزی، فرهاد (Farhâd Behruzi) : آهنگساز و رهبر ارکستر فیلارمونیک لس آنجلس و از برجسته ترین موسیسین های ایرانی در صحنه جهانی است. اوفارغ التصلیل مدرسه موزیک نیویورک است و رهبری ارکستر های سنفونیک را در آمریکا به عهده داشته است. او عضو اتحادیه موسیقی دانان جهان است. از کارهای ارزنده این هنرمند ساختن موزیک متن فیلم Heat و موزیک تبلیغات فیلم مشهور Titanic است.

بهروزی نیا، حسن (Hasan Behruzi-nyâ) : نوازنده مشهور بریط و از همکاران نزدیک کیهان کلهر و کامکارها.

بهروزی نیا، حسین (Hoseyn Behruzi-nyâ) : حسین بهروزی نیا در سال ۱۳۴۱ در تهران بدنیا آمد. در سال ۱۳۵۰ به هنرستان موسیقی ملی رفته و زیر نظر استاد رضا وهدانی، بمدت ۷ سال مشغول یادگیری تار می شود و پس از آموختن تار، برای فراگیری عود، نزد استاد، منصور نریمان می رود. او اولین شخصی است که دیپلم تخصصی عود را از هنرستان موسیقی ملی دریافت می دارد.

بهروزی، هوشنگ (Husang Behruzi) : نوازندهٔ چیره دست ضرب و از اعضای ارکستر فرهنگ و هنر به رهبری استاد حسین دهلوی.

بهروزیه، دکتر (Doktor Behruzye) : از صاحب نظران بنام در موسیقی اصیل ایرانی همدوره با استاد اقبال آذر و استاد شهریار.

بهزاد (Behzâd) : خوانندهٔ ترانه های اصیل و پیرو سبک؛ "داریوش رفیعی" و "کورس سرهنگ زاده".

بهزاد پور، احمد علی (Ahmad Ali Behzâd-pur) : نوازنده و خوانندهٔ مشهور قشقائی در استان فارس.

بهزاد پور، اسفندیار (Esfandyâr Behzâd-pur) : خوانندهٔ سرشناس قشقائی. اسفندیار بهزاد پور، در سال ۱۳۳۶ در فیروز آباد بدنیا آمد. موزیک و آوازهای قشقائی را از کودکی نزد برادرش؛ احمد علی بهزاد پور آموخت.

بهزاد پور، بهزاد (Behzâd Behzâdpur) : از خوانندگان جوان و خوش صدا که پس از انقلاب گُل کرد. بهزادپور در ایران فعالیت دارد.

بهبزاد پور، مهدی [Mehdi Behzād-pur] : خواننده خوش صدا و کم کار ساکن تهران.

بهبزادی، رضا [Rezā Behzādi] : رضا بهبزادی، موسیقیدان، آهنگساز، رهبر ارکستر سمفونی و نوازنده چیره دست پیانو، در یک خانواده هنردوست و عاشق فرهنگ ایران، دوازدهم شهریور سال ۱۳۴۶ خورشیدی در بیرجند دنیا آمد. این هنرمند گرانقدر، موسیقی را در کودکی با ساز ملودیکا آغاز کرد و پس از مدت کوتاهی به ساز ارگ الکترونیک علاقمند شد و نزد استاد انوشیروان روحانی به فراگیری این ساز پرداخت. آقای بهبزادی به توصیه استادش به یادگیری ساز پیانو پرداخت، که از آن موقع تا کنون ساز تخصصی ایشان می باشد. رضا بهبزادی در کنار موسیقی پاپ، ردیف ها و دستگاه های موسیقی ایرانی را نزد استاد جواد معروفی و موسیقی کلاسیک غربی را نزد استاد امانوئل ملک اصلانیاں آموخت. وی برای افزون اندوزی به اندوخته های موسیقی خود به خارج کشور عزیمت نمود و به تحصیل موسیقی در کنسرواتوار وین "اتریش" و پس از آن در آکادمی سلطنتی موسیقی لندن "انگلستان" پرداخت.

رضا بهبزادی در سال ۱۹۸۶ برنده جایزه نخست مسابقات پیانوی کمبریج انگلستان گردید. رضا بهبزادی نخستین آهنگسازی است که برای کودکان امریکایی - ایرانی تبار، اپرتی ایرانی در سال ۱۹۸۷ در امریکا ساخت. رضا بهبزادی در ۲۰ اکتبر سال ۱۹۹۱، در کنسرتی با شکوه، در دانشگاه UCLA، از طرف **Board of Directors, ASUCLA** بعنوان جوانترین رهبر ارکستر سمفونی در ایالت کالیفرنیا معرفی گردید. از کارهای دیگر رضا بهبزادی می توان از موزیک ویدیوی "گوهر شب چراغ" ساخته خانم مری آپیک نام برد که در سال ۱۹۹۹ موفق به دریافت جایزه **Aurora'd Platinum Award** گردید. رضا بهبزادی در اکتبر سال ۱۹۹۹ به دریافت کلید طلائی شهر **Ormond Beach, FL** از طرف شهردار **Dave Hood** گردید و در ماه می ۲۰۰۰، مشابه این تقدیرنامه، از سوی خانم **Helen S. Rigg**، مدیر اداره هنرهای فرهنگی و جهانگردی شهر **Daytona Beach, FL**، به آقای رضا بهبزادی اعطا گردید. رضا بهبزادی کنسرت های فراوانی را بنفع مراکز خیریه و عام المنفعه در سطح آمریکا برگزار نموده است. رضا بهبزادی در حال حاضر در لس آنجلس زندگی می کند و از همکاران ارزشمند طرح دانشنامه مصور موسیقی ایران می باشد.

بهبزادی، فخام الدوله [Faxām-o-ddole Behzādi] : موسیقیدان برجسته ای که به تمامی ردیف های موسیقی سنتی ایران آگاهی کامل داشت. استاد بهبزادی همدوره عبدالله خان دوامی و رکن الدین خان مختاری بودند.

بهشته [Behēšte] : خواننده قدیمی ایران که سال ها همکاری نزدیکی با استاد گلشن راد، حسین شاه زیدی و عبدالله الفت داشت. برخی از ترانه های این خواننده عبارتند از: "لبخند شیرین" با شعری از اصغر واقدی. "گل طلا" و لحظه شیرین".

بهمن [Bahman] : پرده ای از موسیقی قدیم ایران.

بَهْمَنَجِه [Bahmanje] : به معنی پرده و نوا و لحن در موسیقی قدیم ایران. بهمنجه نام روز دوم از هر ماه خورشیدی را نیز گویند. در این روز چون نام روز و نام ماه با هم مطابق می شده ایرانیان آن را جشن می گرفتند.

بهمنی، محمد علی [Mohammad Ali Bahmani] : از ترانه سرایان همدوره با: دکتر نیر سینا، ابراهیم صهبا و بهادر یگانه. محمد علی بهمنی، همکاری نزدیکی با استاد منوچهر لشگری داشت. سروده ترانه معروف "نیر" با صدای جمال وفائی از کارهای اوست.

بهنا، رامین [Rāmin Behnā] : نوازنده زبردست کی بُرد که ساکن ونکوور کانادا است.

بهنام، رضا [Rezā Behnām] : نوازنده زبردست ضرب در برنامه تلویزیونی بزم آدینه تلویزیون ایران (ثابت) در سال های پیش از ۱۳۴۰.

بهنام، مسعود [Maswud Behnām] : از صدا برداران و صدا گذاران رادیو و تلویزیون در تهران.

بهنامیان، عیسی [Isā Behnāmyān] : معروف به عیسی رامشگر، از نوازندگان زبردست ضرب در اصفهان که پس از تأسیس تلویزیون اصفهان با این موسسه همکاری داشته و دارد. عیسی رامشگر از همکاری نزدیک استاد حسین سرور خواننده نامی اصفهان است.

بهنواز، شرکت [Šerkate Behnavāz] : شرکت تولید و پخش صفحه در ایران در سال های پیش و پس از ۱۳۴۵ خورشیدی که در خیابان حقوقی تهران واقع بود.

بهنوش [Behnuš] : کمپانی تولید و تکثیر و پخش نوار و CD ایرانی در آمریکا.

بی آزار، محسن (Mohsen Biázár) : نوازنده سرشناس سنتور که در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در دروازه شمیران بدنیا آمد. در ۶ سالگی آموزش او به عهده استاد نابینای سنتور، "رجاء" بود. محسن بی آزار در سال ۱۳۲۳، اولین برنامه رادیویی خود را، در برنامه صبح جمعه با زنده یاد؛ "صبحی"، قصه گوی بچه ها شروع می کند. کار رسمی محسن بی آزار در رادیو ایران، در سال ۱۳۲۸ بود. محسن بی آزار، در سال ۱۳۳۴، بنا به خواست، استاد روح اله خالقی، عضو شورای عالی موسیقی رادیو می گردد و همکاری خود را با رادیو تا سال ۱۳۴۳ ادامه می دهد.

بی آزار، محمد حسین (Mohammad Hoseyn Biázár) : زنده یاد محمد حسین بی آزار، نوازنده چیره دست ویلن و از شاگردان زنده یاد؛ استاد علی نقی وزیری بود.

بیابانی (Byábáni) : از آوازهای معروف کهنوج که با شروه منطقه میناب هرمزگان و موسیقی بلوچستان پیوند دارد.

بیابانی (Byábáni) : از خوانندگان خوش صدا و از شاگردان ممتاز استاد غلام حسین بنان در هنرستان موسیقی ملی.

بیات (Bayát) : گوشه ای در دستگاه شور را گویند. در موسیقی امروز ایران، بیات به صورت پیشوندی با نام گوشه و یا آواز مورد نظر، گفته می شود نظیر: بیات ترک (زند)، بیات عجم، بیات اصفهان، بیات کرد، بیات تهران، بیات شیراز، بیات درویش حسن، بیات شکسته و بیات راجه یا راجع.

بیات اصفهان (Bayâte Esfehân) : لطفاً به اصفهان نگاه کنید.

بیات، بابک (Bábak Bayát) : آهنگساز صاحب نام و چهره سرشناس موسیقی امروز ایران. بابک بیات از آهنگسازان دوران پایه گذاری "پاپ موزیک" ایران است. از قصه دو ماهی با صدای گوگوش تا خاک خسته با صدای داریوش، پلی است که سازنده آن بابک بیات است. بابک بیات ساکن سان‌دی‌اگو می باشد. بابک بیات در خرداد ۱۳۲۵ در پُل چوبی تهران دنیا آمد. اولین کسی که او را در ۱۷ سالگی با نِت موسیقی آشنا کرد، میلاد کیائی بود و در ۲۰ سالگی به کلاس های شبانه هنرستان موسیقی رفته و زیر نظر خانم، اولین باغچه بان به تحصیل موسیقی پرداخت. بابک بیات در ۲۵ سالگی، موزیک فیلم "خورشید در مرداب" را ساخت.

بابک بیات در زمینه ساختن موسیقی فیلم از فعالترین هنرمندان این رشته است. در زیر به برخی از فیلم هائی که او برای آن ها موسیقی ساخته اشاره می کنیم.

حسن کچل (علی حاتمی)، غریبه (شاپور غریب)، سرگروهان (سعید مطلبی) موسیقی فیلم سرگروهان را بابک بیات و زنده یاد واروژان ساختند. شیر تو شیر (منصور پورمند)، تنها مرد محله (داود اسماعیلی)، کیف (عبداله غیابی)، خورشید در مرداب (محمد صفار)، هیاهو (محمد صفار)، مسلخ (هادی صابر)، برهنه تا ظهر (خسرو هریتاش)، بت شکن (شاپور قریب)، تنها حامی (فریدون ژورک)، فریاد زیر آب (سیروس الوند)، مترسک (حسن محمد زاده)، راه دوم (حمید رخشانی)، صاعقه (ضیاء الدین دری)، آتش در زمستان (حسن هدایت)، جستجو در شهر (حجت سیفی)، اتوبوس (یداله صمدی)، طلسم (داریوش فرهنگ)، ترنج (محمد رضا اعلامی)، تشکیلات (منوچهر مصیری) و مزدوران (جهانگیر جهانگیری).

بیات ترک (Bayáte Tork) : آوازی است از درجه سوم دستگاه شور که در بسیاری از گوشه ها با دستگاه ماهور مشترک است. بیات ترک را سابقاً بیات زند هم می گفتند و معلوم نیست که آواز اختصاصی ترک ها باشد، زیرا ترک ها این آواز را کمتر خوانده و به سه گاه علاقه بیشتری دارند. بیات ترک، نظیر آواز ابوعطا نغمه ای بازاری دارد. بیات ترک بی نهایت یکنواخت است. بیات ترک به روایت زنده یاد میرزا عبدالله عبارت است از: در آمد اول، دو گاه، فرود، در آمد دوم، در آمد سوم، حاجی حسنی، بسته نگار، زنگوله، خسروانی، نغمه، فیلی، شکسته، مهربانی، مهدی ضرابی، روح الارواح. این آواز به روایت زنده یاد محمود کریمی عبارت است از: در آمد اول، در آمد دوم، دو گاه، روح الارواح، جامه دران، فیلی، شکسته، قطار، شهابی، مهربانی و مثنوی.



بیات تهران [Bayate Tehrân] : همان اصطلاح کوچه باغی است که در تهران قدیم به صورت غزل خوانی خوانده می شد. بیات تهران، خاصه طبقه خاصی بود که به آن ها؛ داش مشدی می گفتند.



بیات درویش حسن [Bayate Darviš Hasan] : از الحان الحاقی است که در ردیف موسیقی قدیم و جدید به چشم نمی خورد. منظور از بیات درویش حسن، مثنوی مشهوری است در آواز اصفهان.

بیات راجع یا راجه [Bayate Rājew yā Rāje] : گوشه ایست در نوا و اصفهان.



بیات زند [Bayate Zand] : به آواز بیات ترک گفته می شود که از شاخه شور است.

بیات، سینا [Sinā Bayāt] : از صدابرداران با تجربه خارج از کشور که با رادیو ایران KIRN 670am کس آنجلس همکاری مستمر دارد. سینا بیات در زمینه آهنگسازی، ترانه سرائی و خوانندگی هم فعالیت دارد.

بیات، شکراله (Šokr-olláh Bayát) : نوازنده ماهر نی که در اصفهان فعالیت دارد.

بیات شکسته (Bayáte Šekaste) : از گوشه های افشاری است. لحنی با این نام در ردیف موسیقی قدیم و جدید به چشم نمی خورد.

بیات شیراز (Bayáte Širáz) : از گوشه های آواز بیات اصفهان است. بیات شیراز، یکی از هفت دستگاه موسیقی مقامی آذربایجان نیز می باشد.

بیات شیراز



بیات عجم (Bayáte Ajam) : نام گوشه ای است در دستگاه همایون و راست پنجگاه. نام دیگر بیات عجم، نوروز عجم می باشد.

بیات عجم



بیات کرد (Bayáte Kord) : نام گوشه ای است در دستگاه شور که کرد بیات هم گفته می شود.

بیات کرد



بیات گاو (Bayáte Gáv) : لحن و صوت دلنک دربار ناصرالدین شاه، شیخ شیپور را گویند.

بیات، وحید رضا (Vahid Rezâ Bayât) : وحید رضا بیات در ۵ دیماه ۱۳۴۷ در زنجان بدنیا آمد. از ده سالگی فعالیت هنری خود را در تک خوانی گروه سرود مدرسه آغاز نمود. او به ردیف های موسیقی سنتی آشنائی کامل داشته و از سال ۱۳۶۵ عهده دار تدریس آواز و ردیف های موسیقی اصیل ایرانی در حوزه های هنری شد. وحید رضا بیات در ضمن خواندن از مهارت خوبی در امر نواختن تار برخوردار است.

بیاتی (Bayâti) : شعبه دهم از شعبات ۲۴ گانه موسیقی ایران را گویند.

بی بی جان قرائی (Bi bi jân Qarâwi) : از آهنگ های ضربی متداول در موسیقی کاشمر خراسان.

بیتا (Bitâ) : در زمره خوانندگان کوچه و بازار و مردمی در پیش از انقلاب همدوره با فیروزه و سوسن.

بیداد (Bidâd) : گوشه ای است در دستگاه همایون که از استقلال و وسعت کافی برخوردار است. این گوشه در موسیقی قدیم ایران دیده نمی شود، اگر چه لحن آن موجود می باشد. شاهد بیداد، درجه پنجم گام همایون و ایست آن بر درجه چهارم گام توقف یا ایست می باشد.



بیدار باش (Bidâr Bâs) : از مارش های نظامی که بهنگام صبح نواخته می شود.

بیدار، جلیل (Jalil Bidâr) : ترانه سرای معاصر که همکاری نزدیکی با برنامه گلهای رادیو داشت.

بیداریان، امیر (Amir Bidâryân) : نوازنده چیره دست ضرب.

بیدگانی (Bidgāni) : نام گوشه ای است در آواز دشتی. گوشه بیدگانی، رنگ و بوی محلی دارد و در آواز های دوبیتی منطقه دشتستان و اطراف آن خوانده می شود.

بیدل خوانی (Bidel-xāni) : شیوه ای در آواز خواندن که به شیوه هرات نزدیک است. این نحوه از آواز خواندن، بیشتر خاص نواحی تربت جام در خراسان است. اولین کسی که در ایران، این شیوه را اجرا نمود، خواننده و نوازنده معروف دوتار؛ غلام علی پور عطائی بود.

بیدل عظیم آبادی (Bidel Azim Ābādi) : از بزرگترین شاعران پارسی گوی که در سال ۱۰۵۴ هجری بدنیا آمد. در جوانی از جمله اطرافیان شاهزاده، محمد اعظم شاه، سومین پسر اورنگ زیب در آمد. اثر های متعدد این شاعر در نظم و نثر پارسی بوده و تاریخ وفات او ۱۱۳۳ هجری در سن ۷۹ سالگی می باشد.

بیرنگ کرمانشاهی (Birange Kermānsāhi) : میرزا کریم بیرنگ در سال ۱۲۸۰ خورشیدی بدنیا آمد. در کودکی یک چشم خود را از دست داد و چشم دیگرش آسیب دید و ناگزیر به ترک تحصیل گشت. ولی در اثر معاشرت با بزرگان و آزادی خواهان در سلک سرایندگان و شاعران قرار گرفت. او مدتها با تخلص صفائی و چندی؛ سیه روزگار شعر سرود ولی تخلص بیرنگ را بر آن دو ترجیح داد. کریم بیرنگ در آذر ماد ۱۳۳۲ خورشیدی در کرمانشاه در گذشت.

بیژنی، بیژن (Bižan Bižani) : خواننده جوان و با استعدادی که در تهران به فعالیت مشغول است. از کارهای زیبای بیژن می توان به آلبوم: افسانه های سرزمین پدری اشاره داشت. بیژن بیژنی در سال ۱۳۳۲ در شهر بابل بدنیا آمد. او از خوشنویسان ممتاز انجمن خوشنویسان است. آشنائی او با خانواده هنرمند کامکار و با اجرای ترانه ای که در بالا به آن اشاره شد، فعالیت خود را در زمینه خوانندگی آغاز نمود. از کارهای دیگر بیژن می توان به آلبوم: "آینه در آینه" از ساخته های کامبیز روشن روان که بر روی اشعار مولانا و امیر هوشنگ ابتهاج و باباطاهر است اشاره کرد.

بیست و چهار شعبه (Bist o Chār Šowbe) : ۲۴ شعبه موسیقی ایران عبارتند از: ۱- دوگاه، ۲- سه گاه، ۳- چهار گاه، ۴- پنجگاه، ۵- عشیران، ۶- نوروز عرب، ۷- ماهور، ۸- نوروز خارا، ۹- بیاتی، ۱۰- حصار، ۱۱- نهفت، ۱۲- غزال، ۱۳- اوج، ۱۴- نیرز، ۱۵- برقع، ۱۶- ركب، ۱۷- صبا، ۱۸- همایون، ۱۹- زاول، ۲۰- اصفهانک، ۲۱- بسته نگار، ۲۲- خوزی، ۲۳- نهاوند و ۲۴- محیر.

از الحان شعب مذکور نشانه ای در دست نیست، لیکن نام بسیاری از آن ها در موسیقی امروز ایران مشاهده می شود.

بیس چرو (Biscero) : گوشه، گوشه ساز، چویل (Cevil). گوشه در تمام سازهای زهی کششی و زخمه ای و سازهای گلاویه دار وجود دارد. گوشه، قطعه چوب و یا فلزی است که سیم را روی آن می پیچند و با تنظیم این گوشه ها است که ساز را کوک می کنند.

بیسکروما (Biskromâ) : دولانچنگ (🎸) طول زمانی دولانچنگ؛ یک هشتم گرد است.

بیشه (Biše) : از آلات بادی که چوپانان می نوازند، در فرهنگ رشیدی نام آن را بیشه گفته اند. این ساز، در خراسان، نی است که به زبان محلی به آن "فیگو" گویند. بیشه، به اسامی دیگری نظیر: بیشک، بیشور، بیشکور، بیشه، نی شه و نی چه هم ذکر شده است.

بیغم، یونس (Yunes Biqam) : از سازندگان ماهر ساز که در کرج بدنیا آمد. یونس بی غم از سال ۱۳۶۹ خورشیدی در کارگاه استاد حسین ملک به ساختن ضرب، سنتور، کمانچه و سه تار مشغول و ساز تخصصی که او می سازد ضرب است.

بیغوملک (Biqumalak) : از شاعران اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم و از سلسله قراخانان ماورالنهر بوده است.

بیقان (Biqân) : به بوق و نای بزرگ اطلاق می شود.

بیگ، احمد (Ahmad Beyk) : نوازنده چیره دست ضرب که در نُس آنجلس فعالیت دارد.

بیگ زاده، اصغر (Asqar Beyk-zâde) : نوازنده زبردست فلوت هم زمان با استادهایی نظیر منصور صارمی، ابراهیم سلمکی و مصطفی غراب.

بیگجه خانی، غلامحسین (Qolám-Hoseyn Bigjexáni) : زنده یاد غلامحسین بیگجه خانی نوازنده مسلم تار در سال ۱۲۹۷ خورشیدی در تبریز بدنیا آمد و از کودکی با نوای ساز پدر که تار مینواخت آشنا شد. پدرش، آقا حسین قلی، که شغل اصلی او، غیر نوازندگی بود، بیشتر ساعات روز و شب را به نواختن تار مشغول بود. او از ده سالگی نواختن تار را بمنظور تامین معاش آغاز نمود، چون در این سن، پدر خود را از دست داد. آشتائی او با هنرمندانی مانند: میر علی عسگر و ابوالحسن اقبال آذر باعث شد که با ردیف های موسیقی سنتی ایران آشنا گردد. با تأسیس رادیو تبریز، همکاری خود را با این رادیو آغاز و ۲۵ سال، سرپرستی ارکستر شماره ۱ این رادیو به عهده او بود.

بیگلری پور، حسین (Hoseyn Beyglaripur) : زنده یاد حسین بیگلری پور از خادمان بزرگ موسیقی کشور است. او از ده سالگی شروع به نواختن ویلن کرد و پس از چند سال وارد هنرستان عالی موسیقی شد. پس از اتمام دوره تحصیلی، وارد ارکستر سنفونیک تهران شده که آن موقع ریاست آن با زنده یاد مین باشیان بود. از مشاغل هنری حسین بیگلری پور می توان به: رهبری ارکستر صبا و مدیریت ارکستر هنرستان دختران اشاره کرد. ایشان در سال ۱۳۲۹ ناظم هنرستان عالی موسیقی بودند. حسین بیگلری پور در سال ۱۳۵۶ در گذشت. زنده یاد حسین بیگلری پور، از اعضا موسس "انجمن موسیقی ملی" در سال ۱۳۲۳ خورشیدی بودند.

بیگلری پور، کلاس موسیقی (Keláse Musiqiye Beyglari-pur) : به سرپرستی حسین بیگلری پور واقع در خیابان سپه در سال های پیش و پس از ۱۳۲۰ خورشیدی.

بیگلری پور، محمد (Mohammad Beyglaripur) : نوازنده توانای ویلن و از فارغ التحصیلان دوره لیسانس هنرستان عالی موسیقی. محمد بیگلری پور فرزند هنرمند گرانقدر ایران، زنده یاد حسین بیگلری پور می باشد.

بیگلری، حسین (Hoseyn Beyglari) : از سلیست های مشهور رادیو ایران و از مسئولین مدرسه عالی موسیقی و پدر استاد منوچهر بیگلری.

بیگلری، فرشاد (Farsād Beyglari) : نوازنده ویلن در گروه همناوازان آموزشگاه موسیقی چنگ تهران.

بیگلری، منوچهر (Manucehr Beyglari) : منوچهر بیگلری در سال ۱۳۱۹ خورشیدی در تهران بدنیا آمد. آموختن ویلن را از ۵ سالگی نزد پدرش، حسین بیگلری آغاز نمود. او در ده سالگی به هنرستان عالی موسیقی رفت و نواختن ویلن را نزد استاد علی محمد خادم میثاق آموخت. پس از ۲ سال، تحت نظر استاد ساکف و استاد هندسی، نواختن ترومپت را فرا گرفت. منوچهر بیگلری، در ۱۳۴۰ خورشیدی به ارکستر سنفونیک تهران پیوست و ۱۸ سال از همکاران این ارکستر بود. منوچهر بیگلری در نواختن پیانو هم، دارای تکنیک خوبی است و در حال حاضر در ارکستر سنفونیک صدا و سیما، به عنوان تکنواز ترومپت مشغول به کار است.

بیگم رستم آبادیه (Beygom Rostam Ābādiye) : لطفاً به یارشاه نگاه کنید.

بین (Bin) : سازی شبیه به تنبور که اصل آن از هندوستان است.

بینا، سیما (Simā Binā) : خواننده گرانقدر برنامه گلهای رادیو که فعالیت هنری خود را از کودکی آغاز نموده و اینک در زمره یکی از بهترین های هنر موسیقی در زمینه آواز، خصوصاً ترانه های فولکلوریک ایران است. در سال ۱۳۳۴ وقتی برنامه گلهای رادیو تأسیس شد، سیما بینا در کنار استاد هائی چون: عبدالوهاب شهیدی، محمود خوانساری، اکبر گلپایگانی، مرضیه، آذر عظیمی، ملکه حکمت شعار، فرح و زنده یاد پوران قرار گرفت.

بین دونگ (Bindung) : خط اتحاد، سنکوپ، خطی است منحنی که زیر یا بالای دو یا چند نُت هم اسم و همصدا می گذارند و با این ترتیب، نُت هائی که زیر یا بالای این منحنی قرار گرفته اند، تکرار نمیشوند و کشش و طول زمانی شان با هم متحد می گردد.

بینش پژوه، شاهکار (Šāhkār Bineš-Pāzuh) : ترانه سرای فعال ساکن تهران و از همکاران نزدیک علیرضا عصار و فواد حجازی.

بینش کشمیری (Bineše Kešmiri) : میر جعفر بیگ کشمیری متخلص به بینش، از شاعران سده دهم هجری است. از کلیات بینش کشمیری نسخه ای به شماره Egerton 705 در کتابخانه موزه بریتانیا وجود دارد.

بینگوئی (Binguwi) : طبل ماداگاسکاری، طبلی که در ماداگاسکار می نوازند.

بی نی یو (Biniyou) : سازی است مشابه نی با زبانه دوپل که در بروتانی مورد استفاده دارد.

بیوا (Bivā) : بیوا، نام ژاپنی عود ژاپونی است. عود یا لوت در سده ده میلادی از چین به ژاپن رفت. عود ژاپنی بر خلاف عود شرقی، فقط دارای چهار سیم است. این ساز زخمه ای بوده و بوسیله مضرابی پهن و نرم به صدا در می آید.

بیوکی، جمشید (Jamšid Byuki) : از صدابرداران و صداگذاران رادیو تلویزیون ایران در تهران.